

عنوان مقاله: تحلیل گفتمان های فرهنگی جهانی شدن در ایران

نویسنده: محمد امین قانعى راد، مهر انگیز ستوده

منبع: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه خوارزمی، سال سیزدهم. (ویژه نامه علوم اجتماعی) شماره ۵۰-۵۱

صص ۸-۵۲

چکیده

• این مقاله به بررسی گفتمان های فرهنگی جهان شدن در غرب و مقایسه آن ب گفتمان های رایج در ایران می پردازد. جهانی شدن در سال های پایانی قرن بیستم فرصت ها و تهدید های فراوانی را برای کشورهای در حال توسعه همچون ایران به وجود آورده است. از جمله آن ها، فرصت ها و تهدید های هویتی و فرهنگی است که پیامدهای بسیاری برای کشور ما داشته است. از این رو این مقاله با درک شرایط و اهمیت پدیده جهانی شدن و تاثیرات محیطی که می توان بر ساختار فرهنگی و اجتماعی کشور داشته باشد. در صدد آن است تا با طرح این موضوع به بررسی نظریه ها و اندیشه های جهانی شدن در ایران بپردازد.

فرصت ها و تهدید های هویتی
و فرهنگی



• چهارچوب نظری این مقاله بر پایه نظریات شولت، گیدنز، کاستلز و رابرتسون قرار دارد و ملل و عوامل پیدایش جهانی شدن ماهیت و پیامدهای فرهنگی جهانی شدن از منظر نویسندگان ایرانی مورد ارزیابی قرار می گیرند. روش پژوهش در این مطالعه فرا نظریه است که از طریق تحلیل محتوا متون و با کاربرد و ابزار سنجش پرسش ناب معکوس صورت گرفته است.

رولاند رابرتسون

- این پژوهش در حوزه مقالات مندرج در روزنامه ها و مجلات انجام گرفته است. نمونه پژوهش شامل ۱۱۰ مقاله است که از این تعداد ۵۰ مقاله مربوط به روزنامه ها و ۵۲ مقاله مربوط به مجانب است نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می دهد. رویکرد های متنوعی که در خصوص ماهیت علل و عوامل و پیامدهای جهانی شدن در بین نظریه پردازان جهانی شدن وجود دارد، در آثار نویسندگان ایرانی نیز مشاهده می شود به عبارتی نویسندگان ایرانی نیز گرایش های نظری مختلفی از قبیل نئولیبرالیستی، رادیکالیسم و اصلاح طلبی دارند.

ماهیت علل و عوامل و پیامدهای جهانی شدن

کلید واژه:

- جهانی شدن فرهنگ، نئولیبرالیسم، رادیکالیسم، اصلاح طلبی.



مقدمه

- امروزه جهانی شدن به علت نفوذ در کلیه عرصه ها و شئون زندگی، ذهن بسیاری از روشنفکران، سیاستمداران و دانشگاہیان در جوامع مختلف را به خود مشغول کرده و موجب شکل گیری برداشت های متفاوت و حتی متضادی نسبت به ماهیت پیامدها و علل و عوامل جهانی شدن شده است، برخی با دید خوش بینانه نسبت به ماهیت، پیامدها و عامل و عوامل جهانی شدن تاکید می کنند و برخی دیگر با نگاهی بدبینانه تنها پیامدهای منفی جهانی شدن را مد نظر دارند. بخش زیادی از این اختلاف دیدگاه ها به **ارزیابی ماهیت** و **پیامدهای جهانی شدن فرهنگی** باز می گردد و در این خصوص گفتمان های مختلفی وجود دارد و هر گفتمان نگاه ویژه ای نسبت به جهانی شدن دارد.



الئونورا ماسینی

- بررسی پیامهای فرایند جهانی شدن فرهنگی در دهه ۱۹۹۰ توجه سازمان های بین المللی را به خود جلب کرد. یونسکو در این دهه برنامه پژوهشی آینده فرهنگ ها را پی می گیرد تا پیامد روندهایی چون گسترش الگوی نوسازی فرهنگی به شیوه غربی در سطح جهان فرایند همسان سازی و همگن سازی فرهنگ ها و ارزش های فرهنگی و ظهور پدیده مقاومت فرهنگی به عنوان واکنشی در برابر یکسان فرهنگ ها را مورد بررسی قرار دهد. خانم الئونورا ماسینی در گزارش نتایج مطالعات «آینده فرهنگ ها» از شش روایت جهانی سخن می گوید (یونسکو، ۱۳۷۸، ۳۱-۳۲) اولین روایت به گونه ای بدبینانه بر آن ست که همه فرهنگ ها اصالت خود را از دست می دهند و به صورت موزه ای در می آیند.

- روایت دیگر آمیزش سنت و نوگرایی به شکل «**ثابت در عین دگرگونی**» را مطرح می‌کند. روایت مقاومت فرهنگی از ایستادگی فرهنگ‌های جوامع بی‌شمار در برابر فرهنگ حاکم سخن می‌گوید. روایت چهارم نسبی بودن و عدم کامل بودن فرهنگ‌ها را می‌پذیرد. روایت پنجم به نام «آشفته بازار» امکان نفوذ فرهنگ‌ها و آگاهی‌ها در همدیگر در یک جنگل فن‌آوری ارتباطی را روایت می‌کند. آخرین روایت امکان نفوذ فرهنگ شرقی بر دیگر فرهنگ‌ها را نشان می‌دهد. این روایت اخیر در شکل مختلف ارد. اولین خرده روایت بیان‌کننده روند غربی شدن و شرقی شدن هم‌زمان در فرایند جهانی شدن است.

آمیزش سنت و نوگرایی

- شرق سمبول بازگشت به سنت، معنا و معنویت گرایی و غرب سمبول مدرنیته و فرایند تشدید کننده مادی گرایی و مصرف گرایی است (عاملی، ۱۳۸۳، ۳۰) اما روایت افراطی تر آن، چرخش به سوی شرق را به معنای پایان استیلای فرهنگی غرب می داند که در فرایندهای کنونی گفت و گو محورانه جهانی گرایی بین شرق و غرب در حال شکل گیری است. این روایت اخیر را پاتومکی (۱۳۸۳) مرد ارزیابی قرار داده است.

پایان استیلای فرهنگی غرب

- الئونورا ماسینی موضع گیری متفاوت اندیشمندان کشور های مختلف در مقابل جهانی شدن را «روایت» می نامد. در دوره معاصر اندیشه در باب جهانی شدن از تنوع فراوانی برخوردار است و در آن ها تعیین دقیق مرز گفتارهای واقعی و گفتارهای هنجاری به سادگی ممکن نیست این اندیشه ها تنها شرح آنچه رخ می نماید نیستند بلکه دلالت هایی برای کنش های کنونی و گزینش های آینده را نیز در بر دارند. دفاع از جهانی شدن یا حمله به آن، تا حد زیادی منازعات ایدئولوژیک آمیخته است.

منازعات ایدئولوژیک

- رابرتسون و خندکر (۱۳۸۳) گفتمان های جهانی شدن را علاوه بر منازعات ایدئولوژیک با زمینه های منطقه ای یا تمدنی، گوناگونی رشته های دانشگاهی و حوزه گفتمان های جنسیت مدار مرتبط می یابند. بدین ترتیب گفتمان های جهانی شدن خود آمیخته با جنبه های محلی و خاص گرایانه است. این نویسندگان «جهانی شدن» را در خطر تبدیل به یک شعار صرف می دانند تا یک مفهوم جدی علوم اجتماعی که به منزله نمادی برای اظهار نارضایتی درباره انواع مشکل بوم شناختی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. فرگسن حتی از اسطوره ها و مسائل عنا شناختی مربوط به آن موضوع مناقشه برنگیز جهانی شدن را ارزیابی کند (همان، ۹۹)

گفتمان های جنسیت مدار

- به نظر او اسطوره امیخته ای از واقعیت آرمان گرایی و توهم است و به همین میزان که در خدمت اهداف تبیینی است. در خدمت مقاصد ایدئولوژیک نیز قرار دارد. یکی از اسطوره های جهانی شدن معاصر «همگونی فرهنگ جهانی» است. بر اساس این اسطوره، مصرف تولیدات فرهنگی عامه پسند و تولیدات رسانه ای یکسان فرافرهنگی را پدید می آورد که هویت جمعی آن مبتنی بر الگوهای مشترک مصرف است این فرافرهنگ بر کل ساختارهای اجتماعی دنیا تسلط می یابد.

مصرف تولیدات فرهنگی عامه پسند و
تولیدات رسانه ای یکسان

- با توجه به مقدمه ی که ذکر شد هدف این مقاله، شناخت گفتمان های جهانی شدن فرهنگی در ایران است. برای وصل به این هدف، مقاله این سوال کلی را مطرح می کند که نویسندگان ایرانی چه دریافتی از علل و عوامل، پیامدها و ماهیت جهانی شدن دارند.

چارچوب نظری و مفهومی

- جهانی شدن فرایندی پیچیده و دارای لبه های تاریک و روشن و مملو از تعارض ها و تناقض ها است (مایلارد، ۲۰۰۰، روستو، ۱۹۹۷) این پیچیدگی در وجه فرهنگی این فرایند بیش از پیش افزایش می یابد. آپادورای (۱۹۹۶) پیچیدگی و چند وهی بودن فرایند جانی شدن را از دیدگاه فرهنگی به خوبی بازگو می کند.

- او از یک سو بر نقش تخیل در همه اشکال عاملیت به عنوان عنصر کلیدی نظم جهانی جدید تاکید دارد و از سوی دیگر پیچیدگی این نظم جهانی را با توجه به **پنج** چشم انداز قومی، رسانه ای، فنی، مالی و اندیشه ای بیان می کند. این چشم انداز ها یک تغییر فضایی جایگزین از زمان معاصر ارائه می دهند که مانند یک چشم انداز رایج و نوعی. چشم اندازی ثابت نیست بلکه متنوع ، بی شکل و در جریان است. این چشم اندازهای پنج گانه، قالب های سازنده، جهان های تخیلی معاصر هستند.

نقش تخیل در همه اشکال
عاملیت

- در سال های اخیر بررسی رابطه جهانی شدن و فرهنگ یا ابعاد فرهنگی جهانی شدن به یک حوزه مطالعاتی گسترده تبدیل شده است (کینگ، ۱۹۹۲. فیتراستون، ۱۹۹۵، آپادورای، ۱۹۹۶، جیمسون و میووشی، ۱۹۹۸. اسکالر، ۱۹۹۸ و تاملینسون، ۱۹۹۹) در این میان بررسی موضوع هویت فرهنگی در شرایط کنونی جهانی شدن علاوه بر اهمیت نظری دارای اهمیت راهبردی و سیاسی نیز بوده است برخی از این مطالعات به تلاش اقلیت های ملی و مذهبی در کشورهای اروپایی و آمریکایی برای **رشد و حفظ هویت های خویش** در یک جامعه بیگانه، که در معرض همگون سازی فرهنگی قرار دارند، باز می گردد. (کاستلس، ۲۰۰۰ و عاملی، ۲۰۰۲)

- برخی از نویسندگان از پایان هویت فرهنگی سخن می گویند و بر این باورند که سوپرمارکت فرهنگی جهانی با عرضه کالاهای فرهنگی و رسانه ای متفاوت، جای عناصر فرهنگی محلی را می گیرد و هویت فرهنگی به «**هویت بازار**» تبدیل می شود (متیوس، ۲۰۰۰) فرهنگ، دیگر با ملیت و سنتی که فرد بدان تعلق دارد، تعریف نمی شود بلکه به عنوان سبک زندگی، با ذوق و سلیقه شخص و انتخاب های فردی در یک بازار متنوع رابطه دارد. احساس پیوستگی به یک ملت یا سنت، با ایده انتخاب آزاد در اقتصاد بازار جایگزین می شود:

ذوق و سلیقه شخص و انتخاب
های فردی در یک بازار متنوع

- برخی دیگر بر این عقیده اند که فرهنگ دارای جنبه هایی است که تا حد زیادی در مقابل کالایی شدن و گسترش بازارهای جهانی مقاومت می کند. زبان ها، مناسبات شخصی و پیوندهای مذهبی، قومی و سیاسی در برابر گسترش فرهنگ یکپارچه جهانی ایستادگی می کنند (تاملینسون، ۱۹۹۹)

گسترش بازارهای جهانی

کالایی شدن

- جهانی شدن فرهنگی نه تنها در بین اندیشمندان و سیاست گذاران کشورهای جهان سوم، بلکه در بین نظریه پردازان و سیاستمداران کشورهای توسعه یافته همچون فرانسه، استرالیا و ژاپن نیز نگرانی هایی را به همراه آورده است. واژه های «امپریالیسم فرهنگی»، «امریکایی شدن» و «غربی شدن» را در وهله اول خود نظریه پردازان غربی ابداع کردند (لاتوچه، ۱۹۹۶. امیسون، ۱۹۹۷. بل و بل ۱۹۹۸، هولتون، ۱۹۹۸، دی ۱۹۹۸) بخشی دیگر از نویسندگان نیز به نقد محتوای نظری این اصطلاحات پرداختند. این امر بیان گر دو نگرش خوش بینانه و بدبینانه نسبت به ماهیت فرهنگی جهانی شده است.

نگرش خوش بینانه و بدبینانه



ماتیو آرنولد

• جهانی شدن فرهنگ بر فرهنگ عامه و فرهنگ سیاسی تاثیر می گذارد فرهنگ عامه اوات فراغت ورزش و رفتارهای فرهنگی روزانه را شامل می شود و فرهنگ سیاسی ارزش ها و هویت هبی را در بر می گیرد که اغلب با مفهوم ملیت پیوند دارد . این دو در شکل دادن به هویت های جمعی اهمیت دارند. جهانی شدن فرهنگ مردم را از حیث پراکتیس های روزانه و نیز حس تعلقات ان ها دچار تنش و دگرگونی کرده است. ماتیو آرنولد، نویسنده دوران ویکتوریا، حتی در اواسط قرن نوزدهم از تاثیر فرهنگ آمریکایی و فرهنگ عمومی و سیاسی انگلستان نگران است و «آمریکایی شدن فرهنگ» را موجب تمایل به «ناتمامیت و پراکندگی و اعتیاد به ابتذال» می داند (جانسون، ۱۳۷۸)



آدورنو

• نظریه پردازان مکتب فرانکفورت نیز در ارائه نگرش انتقادی به پویش های فرهنگی در سطح جهان پیش گم بودند. به نظر آنها، فرهنگ کنونی ارزش زیبایی شناختی خود را از دست داده و تبدیل به ابزاری در اختیار نظام سرمایه داری جهت تداوم سلطه خود شده است، صنعت فرهنگ موجب تار یتوده ای شدن فرهنگ سرمایه داری و در نتیجه موجب استمرار سلطه اقتصاد جهانی سرمایه داری گشته است و آمریکا سازی یکی از جلوه های فرهنگ توده ای در عرصه جهانی است (کیانی، ۱۳۸۰)

- بدین ترتیب دغدغه های نویسندگان در خصوص تاثیرات فرهنگ های قدرتمند جهان کنونی پدیده تازه ای نیست، ولی در سال های اخیر و با کاربرد مفهوم جهانی شدن فرهنگ، توجه به این تاثیرات افزایش یافته است.
- علی رغم ادبیات گسترش مربوط به رابطه فرهنگ و جهانی شدن، در مقاله حاضر، فقط آراء آن دسته از نظریه پردازانی ارائه می شود که زمینه های مفهومی لازم را برای طرح نظری مسئله پژوهش، فراهم می سازند.

تاثیرات فرهنگ های قدرتمند جهان



آنتونی گیدنز

• گیدنز: در نظر گیدنز، جهانی شدن ویژگی پیشرفته ترین مرحله فرایند تجدد است از این رو شناخت علل و عوامل جهانی شدن، مستلزم آگاهی از فرایند شکل گیری و تداوم تجدد است. ابعاد مدرنیته از نظر گیدنز عبارتند از : سرمایه داری، صنعت گرایی، دستگاه های حراست و وسایل مهار خشونت مدرنیته پدیده ای ذاتا جهانی است و این قضیه در برخی از بنیادی ترین ویژگی های نهادهای مدرن، به ویژه از جا کندی و بازاندیشی این نهادها، آشکار است. به همین دلیل گیدنز ابعادی را برای جهانی شدن در نظر می گیرد که از ابعاد نهادی مدرنیته نشئت گرفته اند (گیدنز، ۱۳۸۰)

- ما در یک واقعیت اجتماعی تحول یافته از تشدید فرایندهای مدرنیته، زندگی می کنیم. این فرایندها هم به نظام های گسترده جهانی معطوف است و هم به بسترهای محلی و شخصی تجربه اجتماعی، جهانی شدن به عنوان عالی ترین مرحله تجدد، یعنی کنش از دور و با فاصله، تنها به واسطه جدایی زمان و فضا ممکن شده است. مفهوم کلی جهانی شدن را از طریق تامل در وجوه اساسی فاصله افتادن بین زمان و فضا بهتر می توان درک کرد.

بسترهای محلی و شخصی
تجربه اجتماعی



آنتونی گیدنز

• جهانی شدن به معنای درهم گره خوردن رویداد ها و روابط اجتماعی سرزمین های دوردست با تار و پود محلی جوامع دیگر است. تقابل عوامل جهانی و محلی، پایه های استدلال گیدنز است. به نظر وی بسیاری از وجوه نهادهای امروزی، حتی مردم سنتی ترین سکونت گاه های جهان را تحت تاثیر قرار می دهند. از طرف دیگر، در بخش های پیشرفته جهان نیز ماهیت زندگی روزمره به طور مستمر تحت تاثیر پیوند عناصر محلی و جهانی تحول می یابد (۱۳۷۸، ۴۱-۴۲)

- به نظر گیدنز، تجدد پاره ساز است و در عین حال یک پاره و یک کاسه هم می کند. از سطح افراد تا سطح منظومه های سیاره ای به عنوان یک کل، گرایش به سوی یک پارگی و گردهمایی در کنار گرایش به چندگانگی و پراکندگی به چشم می خورد (همان، ۲۶۵)

- **گیدنز** در خصوص یک پارگی در برابر چندپارگی، از پدیده بازاندیشی یاد می کند. جهانی شدن صورت نوپدیدی از وابستگی جهانی و آگاهی سیاره ای و نظارت باز اندیشانه و آگاهانه بشر را به بار می آورد. به طوری که کردارها و آداب اجتماعی دائما تغییر می یابند و در این میان، **نقش رسانه های ارتباط جمعی** در جهت افزایش آگاهی افراد نسبت به رویداد ها و وقایع جهانی اهمیت پیدا می کند (۱۳۸۰-۹۲-۹۳)

- در عصر کنونی، تقابل با آگاهی جهانی منجر به گسترش و بازسازی گرایش خاص گرایانه می شود. بازسازی خاص گرایانه، در انواع جنبش های بنیادگرایانه فرهنگی، سنت را به مصاف یکپارچگی جهانی آورده است

- وی اشکال تازه جنبش های اجتماعی را نشان دهنده کوشش جمعی برای تصاحب مجدد و احیای بعضی از حوزه های سرکوب شده زندگی اجتماعی می داند. بنیادگرایی نه تنها در مذهب، بلکه در تمایلات ناسیونالیستی و قومی و حتی در میان آموزه های بوم شناسی با سیاسی پیدا می شود (۱۳۸۹، ۸۴-۸۵) یکپارچگی جهانی، علاوه بر وارد کردن فشار به سمت بالا، به سمت پایین نیز فشار وارد می کند که فشار اخیر، دلیل احیای گرایش های ناسیونالیستی و **شکل های محلی هویت فرهنگی** است (همان، ۳۶-۳۷)

تمایلات ناسیونالیستی و قومی

- وی خیزش ناسیونالیسم را محصول امکان های جدیدی می داند که فرایند جهانی شدن برای بازتولید هویت های محلی فراهم می کند. در شرایط تشدید جهانی، روابط اجتماعی به عنوان بخشی از یک فراگرد واحد بسط می یابد و فشارهایی برای خودمختاری محلی و هویت فرهنگی منطقه ای پدیدار می شود (۱۳۸۰، ۷۸)

خودمختاری محلی و هویت
فرهنگی منطقه ای

- شولت: شولت (۱۳۸۲) ساختار بنی جهانی شدن را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است، به نظر وی رویدادهای اجتماعی تحت تاثیر ترکیبی از انتخاب هی عاملان و سرشت های ساختاری شکل می گیرند. ساختارها و نیروهای ساختاری در یک بافت تاریخی مشخص، دامنه انتخاب های در دسترس عاملان را تعیین می کنند. همچنین، جهانی شدن از رابطه متقابل محرک های ساختاری و تصمیمات عاملان ناشی می شود.

- نیروهای ساختاری مرتبط با عقل گرایی سرمایه داری از دهه های قبل امکانات و فرصت هایی را برای جهانی شدن فراهم کرده اند و بازرگانان، دانشمندان، دولت مردان و مخترعان، به عنوان عاملان، بر اساس این امکانات، نخستین فضاهای جهانی را گشوده اند در میان ابتکارهای عاملان از اواسط قرن بیستم، تعدادی از نوآوری های تکنولوژیکی و اقدامات نظارتی (قوانین و مقررات)، پویایی هایی را برای گسترش عمده فوق قلمروگرایی فراهم آورده اند. در دهه های بعدی، پیشرفت های بیشتر در قلمرو تکنولوژی و تدوین قوانین زمینه ساز، شتاب بیشتر جهانی شدن را میسر ساخت. نه نیروهای ساختاری و نه ابتکار عاملان در پیدایش جهانی شدن، از یکدیگر جدا و از لحاظ سببی یک مقدم بر دیگری نبوده اند.

نیروهای ساختاری

- عقل گرایی و سرمایه داری شرایط ساختاری را فراهم کرده اند و در این شرایط ساختاری، تحولات تکنولوژیکی و نظارتی گوناگون، توانسته اند جهانی شدن را ترویج کنند. هم زمان با آن اقدامات انجام، اقدامات انجام شده در زمینه های تکنولوژیکی و نظارتی، موجب تداوم ساختارهای عقل گرایی و سرمایه داری از راه های شده اند که به جهانی شدن جامه عمل پوشانده است.

تداوم ساختارهای عقل گرایی و سرمایه داری



• فوکویاما: فوکویاما با طرح نظریه پایان تاریخ، بر این باور است که لیبرالیسم با پایان جنگ سرد به فرهنگ غالب جهانی تبدیل شده است. از منظر وی، جهانی شدن معنایی جز جهان شمول شدن الگوی جامعه لیبرال غرب ندارد. به نظر وی، میراث مشترک ایدئولوژیکی بشر در قالب لیبرال دموکراسی متجلی شده است. و نوع ویژه ای از همگونی و یکپارچگی در جهان امروز در حال تحقق است.

فرانسیس فوکویاما

- همگونی فرهنگی مورد نظر فوکویاما این نیست که همه فرهنگ ها، به معنی مردم شناختی آن، یکسان و همانند می شوند بلکه به نظر او ارزش ها و محصولات مدرنیسم غربی که در نهایت در قالب ایدئولوژی سیاسی- اقتصادی لیبرال دموکراسی متجلی شده است مورد پذیرش همه جوامع جهان قرار خواهند گرفت. **وجود خصوصیات متفاوت فرهنگی در بین ملت ها، نشانه عدم پذیرش نظام فرهنگی- سیاسی لیبرال دموکراسی نیست.** این نظام میراث مشترک بشریت است که هم اکنون هیچ هم آورد و رقیبی ندارد و در عرصه اندیشه و پس از دوران درگیری سیاسی- ایدئولوژیکی ، به پیروزی نهایی رسیده است.

- جهان به لحاظ آرمان مشترک بشریت و از نظر مدل و ارزش های بنیادین فرهنگی و رفتاری، به سوی یکپارچگی و یکسانی پیش می رود و محصولات فرهنگی برآمده از این مدل جهان شمول نیز، جهانی و فراگیر خواهند شد (سلیمی، ۱۳۷۹، ۱۳۲-۱۴۹)

مدل و ارزش های بنیادین
فرهنگی و رفتاری

- رابرتسون: این نظریه چهار نوع گفتمان جهانی را تشخیص می دهد. **اول**، گفتمان های تمدنی یا منطقه ای، از قبیل گفتمان های شرق و جنوب آسیا، اروپای شرقی، اروپای غربی، آمریکای لاتین و غیره، که در درون هر یک از آن ها نیز گوناگونی ها بسیاری وجود دارد. **دوم**، گفتمان های رشته های مانند گفتمان های اقتصادی، سیاسی، انسان شناسی، جامعه شناسی، مطالعات فرهنگی، ارتباطات و مطالعات رسانه ای. **سوم** گفتمان های ایدئولوژیک جهانی شدن است که برای سهولت کار، آن ها را به دو گروه گفتمان های چپ و راست تفسیم و تاکید می کند که در هر گفتمان طرفداران و مخالفان جهانی شدن وجود دارند. چهارم، گفتمان های متغیر زنانه و مردانه، پژوهشگران فمینیست بیش از پیش به این طرز نگرش روی می آورند که یک دیدگاه زنانه درباره وضعیت جهانی، مطلوب و ضروری است و این امر تا حدی به دلیل رشد جنبش جهانی زنان میسر شده است (رابرتسون و خندکر، ۱۳۸۳)

- رابرتسون (۱۳۸۰) تعریفی دو وجهی از جهانی شدن عرضه می کند که هم جنبه عینی جهانی شدن را در بر می گیرد و هم جنبه ذهنی آن را با وجود این او بیشتر بر جنبه های فرهنگی و عنصر آگاهی تاکید می کند. جهانی شدن مفهومی است معطوف به فشردگی جهانی و تشدید افزایش آگاهی از آن مانند یک کل او عناصر ویژگی بخش جهانی شدن را فشردگی و همگونی و درهم تنیدگی و وابستگی متقابل در سطح جهان می داند. ا

- از لحاظ عینی، رابرتسون و وابستگی متقابل فزاینده میان نظام های سیاسی به واسطه تجارت، اتحاد نظامی و سلطه سیاسی تاکید دارد که از مهم ترین عوامل زمینه ساز این فشردگی است. از نظر او برای درک جهانی شدن مانند اول شکل ها و قالب هایی را درک کرد که جهان به واسطه آن ها، به سوی یگانگی سیر می کند. جهانی شدن از یک سو به هم پیوندی های فزاینده در ابعاد مختلف حیات جهانی اشاره دارد و از سوی دیگر، به معنی جهانی شدن نهادها و پدیده های جمعی به کار می برد. مفهومی که محور تقاطع این دو گرایش را تشکیل می دهد. مفهوم بر کنده شدن با انفصال ساختارها و فعالیت ها از زمینه محلی و جهانی شدن آن ها است.

وابستگی متقابل فزاینده میان نظام های سیاسی

- در بعد ذهنی، رابرتسون جهان بودگی را آگاهی فزاینده نسبت به جهان به عنوان یک کل می داند. مفهوم آگاهی واحد محتوای بازاندیشی است و جهانی شدن صرفاً به معنای مثبت افزایش هم پیوندها نیست بلکه با مسائل فرهنگی بر رابطه دارد. رابرتسون علاوه بر تأکیدی که بر علم گرایی فرهنگی دارد، از جست و جوی بنیادها با حقیقت محلی نیز یاد می کند و آن را به عنوان یکی از وجوه جهانی شدن می بیند.

آگاهی فزاینده نسبت به جهان
به عنوان یک کل

- وقتی جهانی شدن به صورت در هم فشردن جهان تعریف یم شود باید بر این نکته تاکید کرد که جهانی بودن جست و جوی بنیادها، جالب ترین وجه آن است، به ویژه این که جست و جو در میان جوامع مختلف جهان در چارچوب اندیشه های مربوط به سنت، هویت، قومیت و جماعت که به طور جهانی منتشر شده اند، به پیش می رود.

- بسیاری از بنیادگرایی ها عبارتند از راه هایی برای یافتن جایی در جهان به عنوان یک کل واقعیت جست و جو در سطح عام، مستلزم ایجاد معیارهایی برای شناسایی و تجلی آن است از این حیث جست و جوی بنیادها را باید پدیده ای مدرن یا پسامدرن به شمار آورد که مستلزم میزان قابل توجهی از بازاندیشی و اختراع سنت است. جست و جوی بنیادها تا حد قابل ملاحظه ای هم از وجوه بارز جهانی شدن است و هم یکی از وجوه فرهنگ جهانی شدن است (همان، ۱۳۹۵، ۳۴۰)

بازاندیشی و اختراع سنت

- رابرتسون بخش عمده ای از واکن ها و اندرکنش های فرهنگی در جهان معاصر را، سرچشمه گرفته از دیالکتیک عام و خاص می داند. جهانی شدن را می توان به عنوان نهادینه شدن فرایند دو وجهی «عام شدن امر خاص» و «خاص شدن امر عام» درک کرد. خاص گردانیدن عام بودگی، بیان این اندیشه است که امر عام باید در قالب جهان بشری صورت انضمامی پیدا کند. عام گردانیدن خاص بودگی، متضمن این فکر است که برای خاص بودن و تفاوت و دیگر بودگی، نهایی نیست، عمل کردن و اندیشیدن به نحو جهانی هر روز، بیش از پیش، برای فنا بخشیدن به محلیت ضرورت پیدا می کند و محلیت به نحو جهانی نهادینه می شود.

- رابرتسون (۱۳۸۳) با کاربرد مفهوم «جهان محلی شدن» تاکید می کند که جهانی شدن، همواره متضمن خلق و جذب امر محلی است. تلاش او در این جا، معطوف به درک معنای دو روند به ظاهر مخالف همدیگر است. همگون سازی و نا همگون سازی از نظر وی، این دو روند هم زمان مکمل یکدیگر و به طور درونی به همدیگر پیوسته اند، هر چند که در وضعیت هایی می توانند با هم تصادم پیدا کنند.

همگون سازی و نا همگون سازی

- والرشتاین از نیمه دوم دهه ۱۹۷۰، اندیشه جهانی شدن با قرائت مارکسیستی نوینی از روابط مبتنی بر قدرت در سطح جهان دست به گریبان شد که به نظریه نظام جهانی والرشتاین مشهور است. وی در یکی از جدیدترین آثارش، بحران عصر جهانی شدن را کشمکش میان هویت های ملی و جهانی می داند که به نوعی منعکس کننده کشمکش های سنتی تر در حوزه های سیاست و فلسفه میان ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم و عام بودن و خاص بودن است که به نوبه خود، زاینده رشد تمدن بورژوازی و پیدایش اقتصاد جهانی کاپیتالیستی (کلارک، ۱۹۹۷ - ۲۸ - ۲۹) وی معتقد است نظام سرمایه داری از قرن شانزدهم میلادی و پس از عمومیت یافتن وجه تولید سرمایه داری در اروپا حیات خویش را آغاز کرد. خصیصه اصلی این نظام انباشت مداوم سرمایه و تمایل به گسترش و جهان شمولی است.



والرشتاین

• سرمایه داری اروپایی با ابزار قهر و غلبه و تجارت و نیز با گسترش فرهنگ مدرنیزاسیون و غربی سازی، خود را به دیگر نقاط جهان تحمیل کرده و رفته رفته دیگر بخش های جهان را نیز در درون خود ادغام می کند (والرشتاین، ۱۹۷۹) به نظر والرشتاین، با وجود این که فرهنگ سرمایه داری به عنوان فرهنگ غالب در جهان مطرح است اما فرهنگ های محلی و خاص نیز در این نظام جهانی مطرح می شوند **در نظام نوین جهانی، ملی گرایی نمونه واقعی خاص گرایی به شمار می آید.**

- در عرصه جهانی، مقاومت های زیادی در مقابل فرهنگ جهانی صورت می گیرد. شعار این مقابله های فرهنگی، مبارزه با هم سانی است. در دهه های اخیر، برخی دوباره رو به سوی خدا، فرهنگ و هویت خویش آوردند تا دوباره موقعیت پیشین را به دست آورند.

- راه مقابله با دور شدن از آزادی و برابری عبارت خواهد بود از آفرینش و بازآفرینی عناصر فرهنگی خاص گرایانه ای نظیر هنرها، علم و هویت هایی که همیشه جدیدند، گرچه اغلب ادعای قدیمی بودن دارند، خاص گرایی های که هدف اعلام شده ای نشده آن ها، احیای واقعیت عام آزادی و برابری هستند. تعارض بین عام گرایی و خاص گرایی بیش از هر زمان دیگری، حاد شده و این تعارض در چارچوب فرض ها و روشن ها نظام نوین جهانی، به مثابه تمدن ذاتا حل ناشدنی باقی مانده است (والرشتاین، ۱۳۷۷)

تعارض بین عام گرایی و
خاص گرایی

- اسکلیر (۱۹۹۸) با الهام از نظریه جهانی والرشتاین و به منظور رفع کاستی ها و ضعف های آن، نظریه نظام جهانی را مطرح می کند و در این نظریه به حوزه فرهنگ به عنوان یکی از فرایندهای سه گانه جهانی شدن، در کنار دو حوزه اقتصاد و سیاست اهمیت ویژه ای می دهد. به نظر اسکلیر، در نظام جهانی کنونی، فرهنگ مصرف گرایی، هسته اصلی قلمرو فرهنگ را تشکیل می دهد که با ترغیب مردم به توسط مصرف خود از سطح نیازهای زیستی به سطح فرهنگی، در پی ایجاد یکپارچگی بین همه طبقات است. شبکه های این فرهنگ دارای گستره ای جهانی است و در پیوند با شبکه های اقتصادی و سیاسی، در خدمت تداوم نظام جهانی سرمایه داری قرار دارد.

تداوم نظام جهانی سرمایه داری



مانوئل کاستلز

• **مانوئل کاستلز:** کاستلز ظهور جامعه شبکه ای را محصول به فرایند تاریخی مستقل می داند. انقلاب اطلاعات، تجدید ساختار سرمایه داری و نهضت های فرهنگی دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ ، جامعه شبکه ای در ساختار و کارکردهای غالب خود حول شبکه ها و جریان هایی شکل گرفته که نمود ظاهر آن کاپیتالیستی است.

جامعه شبکه ای

- سرمایه داری عصر فراصنعتی متکی به دینامیسم درونی است که از انعطاف زیادی برخوردار است و فزون طلب و گسترش یابنده است. حضور این پدیده در صحنه جهانی، عالم را به دو قطب اصلی اعضای شبکه و محرومان از عضویت در شبکه، تقسیم می کند. در درون شبکه، نظارت ها و کنترل های محلی بی اثر می شوند، نیروی انسانی موجود در شبکه تفرد پیدا می کند و به صورت هویت های قابل تعویض در می آید (۱۳۸۰، ۱۷-۱۹)

هویت های قابل تعویض

- کاستلز بر همگون شدن جهانی از طریق ظهور جامعه شبکه ای تاکید می کند و معتقد است، جامعه شبکه ای، سپهرهای طبیعی، فرهنگی و معنوی آدمی را در سراسر سیاره و در همه ابعاد در معرض تحولات اساسی قرار داده است. تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات، امکان ظهور جامعه شبکه ای را فراهم آورده که افراد و جوامع را در درون قالب های تازه، هویت های تازه می بخشد و دستخوش تغییرات دائمی و در نتیجه ایجاد الگوهای جدید حیات در نقاط مختلف است.

- به نظر کاستلز، ویژگی بارز اجتماعی و سیاسی دهه ۱۹۹۰، سامان دادن کنش و سیاست اجتماعی پیرامون هویت هایی است که ریشه در تاریخ و جغرافیا دارند یا به تازگی و در جست و جوی مشتقانه معنا و هویت ایجاد شده اند. به نظر او، ما وارد جهانی واقعا چند فرهنگی و همبسته شده ایم که درک آن تنها از دیدگاهی کثرت گرا میسر است.

سامان دادن کنش و سیاست اجتماعی

- دیدگاهی که هویت فرهنگی، شبکه سازی جهانی و سیاست های چند بعدی را با یکدیگر ترکیب می کند، ربع پایانی قرن بیستم، شاهد خیزش تظاهرات نیرومند هویت های جمعی بوده است که در دفاع از یگانگی فرهنگی و کنترل مردم بر زندگی، فرایند جهانی شدن را به مبارزه طلبیده اند.

خیزش تظاهرات نیرومند هویت
های جمعی

- وی به جای خاص گرایی های فرهنگی، از اجتماعات فرهنگی نام می برد که به عناصر هویت بخش فرهنگی خاص متوسل می شوند و بر بی همتایی شیوه ها، اعمال و ایده های یک گروه با جماعت معین تاکید می کند و اجتماعات فرهنگی طیف وسیعی از حرکت هایی را در بر می گیرند که مفاهیمی چون خدا، ملت، قوم، خانواده یا سرزمین مادری را به سنگر مقاومت تبدیل کرده اند. همه این ها مقولاتی هستند که اکنون مورد تهدید نیروهای منسجم و متعارض اقتصادی و تکنولوژیک قرار گرفته اند.

عناصر هویت بخش فرهنگی خاص

- این شکل نوین سازمان اجتماعی با جهان شمولی فراگیر خود، نهادهای اجتماعی را به لرزه درآورده و فرهنگ ها را در معرض خطر قرار داده است. (همان ، جلد ۲: ۱۷-۱۸) در دنیایی که این گونه دستخوش تغییرات مهار نشدنی و حیرت انگیز است، مردم از نو حول محور هویت بنیادین از قبیل هویت های دینی، قومی، سرزمینی و ملی گرد هم می آیند و به دنبال جست و جوی هویت جمعی یا فردی هستند که منبع اصلی معنای اجتماعی است، در دوران جدید، هویت به اصلی ترین و گاه تنها سرچشمه معنا تبدیل می شود(همان، جلد ۱: ۲۷-۳۰)

هویت بنیادین



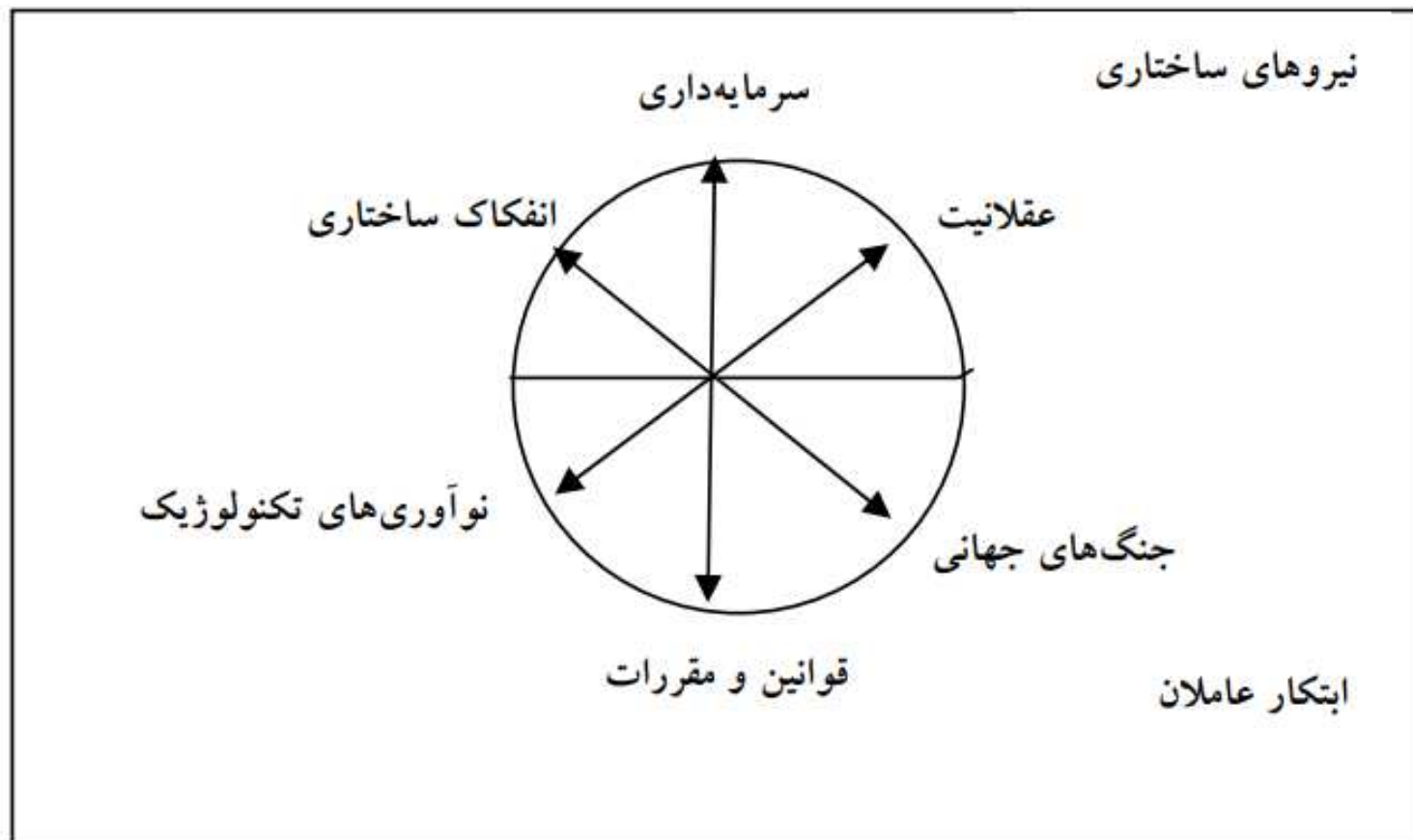
مانوئل کاستلز

- گسترش بنیادگرایی دینی، ناسیونالیسم قومی و هویت سرزمینی به مثابه مهم ترین واکنش های خاص گرایانه در مقابل فرایند جهانی شدن، محور بحث کاستلز درباره **ماهیت و عملکرد جامعه شبکه ای** است. استدلال کاستلز این است که پیدایش جامعه شبکه ای فرایند های برساختن هویت را در دوره مذکور زیر سوال می برد و بدین ترتیب، شکل های جدیدی از تغییر اجتماعی خلق می کند. زیرا برای بیشتر افراد و گروه های اجتماعی، جامعه شبکه ای بر مبنای جدایی سیستماتیک امر جهانی و امر محلی استوار است. کاستلز معتقد است، با وجود این که جماعت های فرهنگی، جهانی شدن و جامعه شبکه ای را نفی می کنند، اما از تکنولوژی های مدرن در جهت تحقق اهداف خود استفاده می کنند.

مدل های نظری و تحلیلی

- تبیین علل و عوامل جهانی شدن در این مقاله، مبتنی بر نظریه ساختار بندی گیدنز و شولت است (نمودار شماره ۱)

نمودار ۱. علل و عوامل جهانی شدن



- در نظریه ساختار بندی، نیروهای ساختاری و ابتکارهای عاملان از یکدیگر جدا و از لحاظ سببی، یکی مقدم بر دیگری نیست. عقل گرایی و سرمایه داری شرط ساختاری گسترش جهانی شدن را فراهم کرده اند و در این شرایط ساختاری، تحولات تکنولوژیکی و نظارتی گوناگون توانستند جهانی شدن را ترویج کنند. تحولات و پیشرفت ها در عقل گرایی، سرمایه داری، تکنولوژی و نظارت و مقررات به طور گریز ناپذیری به هم پیوسته اند و نمی توان تاثیرات سببی ان ها را به طور جداگانه ارزیابی کرد.

نیروهای ساختاری و ابتکارهای عاملان

- گفتمان های مختلف در خصوص ماهیت و پیامدهای فرهنگی جهانی شدن را می توان با الهام از طبقه بندی شولت (۱۳۸۲: ۳۳-۴۱) به سه گروه زیر طبقه بندی کرد.

• **گفتمان لیبرالیستی:** طرفداران این رویکرد نسبت به ماهیت جهانی شدن نگرش خوش بینانه ای دارند و آن را فرایندی گریزناپذیر می دانند که منجر به تشدید آگاهی جهانی، تحقق دهکده جهانی و گسترش و عالم گیر شدن دموکراسی، حقوق بشر و آزادی می شود.

- در این رویکرد بر عام گرایی به مثابه پیامد مثبت جهانی شدن تاکید می شود بر اساس این گفتمان، عام گرایی فرهنگی از مولفه های اساسی مدرنیسم است که بر ارزش هایی همچون دموکراسی، عقل گرایی، سکولاریسم، آزادی و فردگرایی تکیه دارد و این ارزش ها برای نیل به آزادی انسان ها از تحجر و عقب ماندگی، باید بدون در نظر گرفتن تاریخف جغرافیا و اعتقادات هر قوم و به مثابه یک فرهنگ جهانی گسترش یابد.

عام گرایی فرهنگی

گفتمان رادیکالیسم:

- رویکرد رادیکالیسم، طیف وسیعی از نفی کنندگان تا نفد کنندگان فرایند جهانی شدن را تشکیل می دهد. این منتقدان نگرش بدبینانه نسبت به جهانی شدن دارند و آن را معادل با جهانی سازی می دانند که در صدد همگن سازی و یکسان سازی جهان از رهگذر تسلط فرهنگ غرب و سرمایه داری بر سایر فرهنگ ها است. در این نگرش بر پیامدهای منفی جهانی شدن تاکید می شود. هواداران رادیکالیسم با تعلق به خاص گرایی های فرهنگی و همچون عاملان فرهنگی در مقابل جهانی شدن مقاومت می کنند.

همگن سازی و یکسان
سازی جهان

گفتمان اصلاح طلبی:

- بر اساس این گفتمان جهانی شدن همچون مجموعه ای از فرصت ها و تهدیدها در عین حال که در برگیرنده نیروهای همگن ساز فرهنگی است، عرصه های جهانی را برای بروز تنوع فرهنگی آماده می کند. اصلاح طلبان تداخل و امتزاج فرهنگ ها را شکل دهنده ترکیب های فرهنگی و شبکه های فرهنگ جهانی می دانند.

- در دیدگاه اصلاح طلبان، تكثر گرایى و تعامل میان نیروهای محلى و جهانى به فرهنگ هاى ملى امکان باز آفرینى صورت نوینى از اقتدار را مى بخشد. آن ها شكل گیرى فرهنگى واحد و یکپارچه را در آینده قابل پیش بینى، غیر محتمل مى پندارند.
- پیامدهاى فرهنگى جهانى شدن را مى توان با **سه** مقوله عام گرایى فرهنگى، خاص گرایى فرهنگى و تعامل عام / خاص توضیح داد.

عام گرایى فرهنگى، خاص گرایى فرهنگى و
تعامل عام / خاص

- عام گرایی و خاص گرایی می توانند دارای پیامدهای مثبت یا منفی باشند. برخی نظریه پردازان، عام گرایی فرهنگی را فرصت و برخی آن را به مثابه تهدید تلقی می کنند. **برخی نظریه پردازان معتقد به عام گرایی فرهنگی، از جمله نظریه پردازان امپریالیسم فرهنگی، مدعی هستند که جهان شاهد فراگیر شدن فرهنگی واحد است.**

- اما برخی دیگر، عام گرایی فرهنگی را **متضمن آمیزش و هم زیستی فرهنگ های گوناگون** می دانند. مخالفان جهانی شدن، گسترش آگاهی های جهانی را همان آمریکایی شدن می دانید، در حالی که موافقان پیدایش آگاهی های جهانی را لازمه تحول و تعالی فرهنگی به شمار می آورند. به همین دلیل برخی نظریه پردازان هم زیستی فرهنگی، تكثر گرایی فرهنگی را از پیامدهای مثبت عام گرایی فرهنگی به حساب می آورند.

- خاص گرایی های فرهنگی نیز دارای پیامدهای مثبت و منفی محسوب می شوند. خاص گرایی فرهنگی ممکن است به تعصب و فروبستگی منجر شود. اما دسته دیگری از نظریه پردازان خاص گرایی فرهنگی، در برابر هم گرایی یک سویه با فرهنگی واحد، بر تكثر و هم زیستی فرهنگ های ویژه تاکید می کنند. به نظر آن ها، در فرایند جهانی شدن فرهنگ خاص هر کدام قابلیت ویژه ای برای بازیگری دارند.

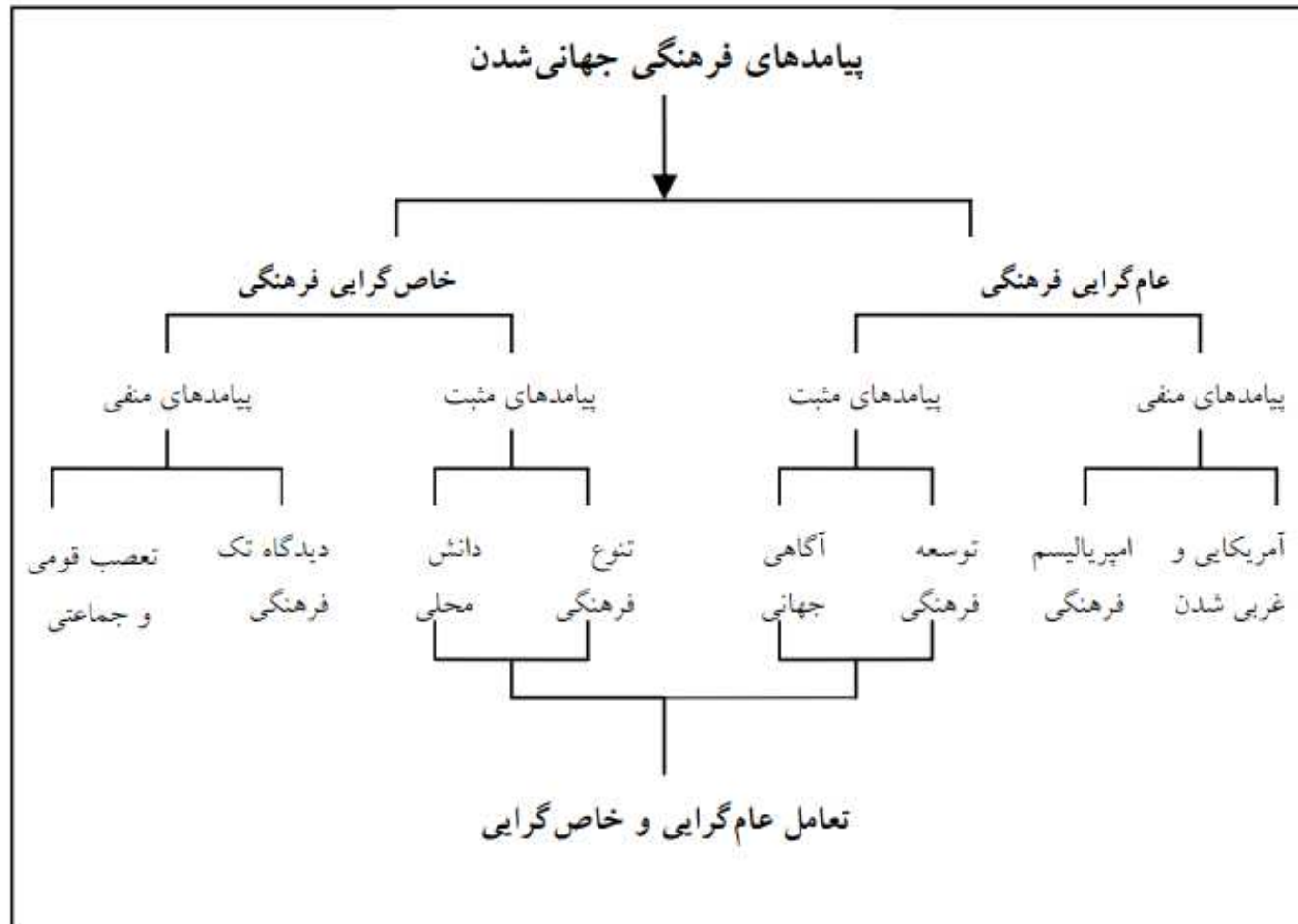
- رویکرد مبتنی بر تعامل امر خاص و امر عام بر جنبه های مثبت عام گرایی و خاص گرایی فرهنگی تاکید می کند. بر اساس این رویکرد، فرایند جانی شدن رابطه ای جدید میان امر عام و امر خاص برقرار می کند. از دیدگاه آن ها قلمرو فرهنگی جهان معاصر، هم در برگیرنده عام بودن و همگونی است و هم در برگیرنده خاص بودن و ناهمگونی بنابراین باید از برقراری رابطه دیالکتیکی میان خاص عام و جهانی و محلی سخن گفت نه از جهانی شدن فرهنگ واحد و همگونی صرف و ساده.

رابطه دیالکتیکی میان خاص عام و جهانی و محلی

- مدل تحلیلی این پژوهش، پیامدهای فرهنگی جهانی شدن را با دو مفهوم عام گرایی و خاص گرایی توضیح می دهد. در عین حال، این پیامدها را با توجه به تهدیدها و فرصت های جهانی شدن، به دو دسته پیامدهای مثبت و منفی طبقه بندی می کند. تعامل امر عام و امر خاص، در واقع حاصل پیوند پیامدهای مثبت عام گرایی و خاص گرایی فرهنگی است که در عین حفظ خصوصیت ها و تنوع فرهنگ ها، امکان ارتباط، همزیستی و گفت و گوی بین آن ها را فراهم می کند (نمودار شماره ۲)

دو مفهوم عام گرایی و خاص گرایی

نمودار ۲. مدل تحلیلی پژوهش



- مدل تحلیلی این پژوهش را به دو شیوه می توان قرائت کرد. از یک سو این مدل، جنبه ارزیابانه دارد و با تلاش برای ایجاد انسجام نظری به داوری در مورد فرایند جهانی شدن می پردازد. اما از سوی دیگر و با تاکید بر جنبه تحلیلی آن، بیان کننده گرایش های مختلف نظری بوده و جریان ها و واکنش های متفاوت را بیان می کند. مدل تحلیلی مزبور، امکان ارزیابی تنوع دیدگاه در جامعه ایران را نیز فراهم می کند.

گرایش های مختلف نظری

- این مقاله سعی دارد با توجه به مبانی نظری، نگرش نویسندگان ایرانی را در خصوص علل، ماهیت و پیامدهای جهانی شدن مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد و به این منظور، سوالات زیر را مطرح می کند.

- ۱- گفتمان های موجود میان نویسندگان ایرانی در مورد جهانی شدن را چگونه می توان طبقه بندی و توصیف کرد؟



- آیا رویکردها و نگرش های نویسندگان و متفکران ایرانی در خصوص علل و عوامل، ماهیت و پیامدهای فرهنگی جهانی شدن با آراء نظره پردازان و جامعه شناسان مورد بررسی در این مطالعه قابل مقایسه است؟
- ۳- گفتمان های جهانی شدن در ایران تحت تاثیر کدام عوامل ساختاری و ابتکار عاملان شکل گرفته اند؟

روش شناسی



جورج ریتزر

- روش پژوهش، تحلیل محتوا و تحلیل فرا نظری است. پس از تحلیل محتوای آثار نویسندگان ایرانی، اندیشه های آنان در خصوص علل، ماهیت و پیامدهای جهانی شدن به شیوه فرا نظری تحلیل شده اند و بعد از سنخ شناسی گفتمان های جهانی شدن در ایران، با الهام از ابزار فرا نظری ریتزر (۱۹۸۰، ۱۹۸۸) پیوستاری از گفتمان های جهانی شدن با سطوح چهارگانه ترسیم می شود که امکان دستیابی به انگاره تلفیقی را فراهم می کند.

- روش های مهمی که برای گردآوری اطلاعات مورد استفاده قرار گرفته، عبارتند از کتاب شناسی ها، جست و جوی رایانه ای و تحلیل محتوا. جمع اوری اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه و فیش برداری از منابع مکتوب و اسنادی صورت گرفته است.
- در این پژوهش، علاوه بر روش تحلیل محتوای کیفی، با استفاده از تحلیل محتوای مضمونی، جهت گیری های مستقیم یا غیر مستقیم، پنهان یا آشکار، مثبت یا منفی نویسندگان نسبت به مقولات مورد بررسی به شیوه **کمی** سنجیده می شود.

- جامعه آماری مورد مطالعه، ۳۷۲ مقاله در حوزه جهانی شدن فرهنگ در دوره پنج ساله ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۲ است **فهرست این مقالات با استفاده از نمایه پژوهشی «خانه کتاب» تدوین شده است.**

- از بین ۳۷۲ مقاله در حوزه جهانی شدن فرهنگ ۱۹۲ مقاله در روزنامه ها و ۱۷۸ مقاله در مجلات چاپ شده بودند. به همین دلیل با روش نمونه گیری طبقه ای ۳۰ درصد مقالات، به عنوان نمونه تعیین و با حذف مقالات ترجمه شده، گزارش گفت و گوها و نقد و بررسی کتاب هاف نمونه نهایی به صورت تصادفی، شامل ۵۷ مقاله از روزنامه ها و ۵۳ مقاله از مجلات و مجموعه مقالات انتخاب شدند.

- ابزار اندازه گیری و جمع آوری داده ها، پرسشنامه معکوس است که با توجه به طرح نظری مسئله و مدل تحلیلی، تنظیم شده است. واحد تحلیل در این پژوهش یک مقاله است. بنابراین باید برای هر مقاله، یک پرسشنامه در نظر گرفته شد. از آن جا که پرسشنامه با توجه به بیان نظری مسئله و مدل تحلیلی ساخته شده است. می توان گفت ابزار تحقیق دارای **اعتبار** **صوری** است قبل از اجرای کامل پژوهش یک پیش آزمون بر روی ۲۰ مقاله اجرا گردید. برای تامین پایایی سنجش، مقولات مورد نظر توسط دو متخصص مجدداً کدگذاری شدند. داده ها با توجه به تعاریف عملیاتی مفاهیم از پرسش نامه معکوس به صورت مولفه ها و شاخص های استخراج و پس از کدگذاری در اوراق داده ها ثبت شدند.

- مهم ترین مفاهیم تحلیلی این پژوهش، عبارتند از عوامل جهانی شدن، ماهیت جهانی شدن و پیامدهای جهانی شدن تعاریف نظری و عملیاتی این مفاهیم به شرح زیر است:
- ۱- عوامل جهانی شدن: جهانی شدن تحت تاثیر دو دسته از عوامل **ساختاری** و **عاملیتی** تکوین و گسترش می یابد. سرمایه داری، عقلانیت و انفکاک ساختاری از مهم ترین نیروهای ساختاری موثر بر جهانی شدن هستند. دومین دسته از عوامل به ابتکار عاملان باز می گردد. شولت نوآوری های تکنولوژیکی قوانین و مقررات و جنگ های جهانی را به عنوان عوامل وابسته به تصمیم گیری ها و رفتارهای آگاهانه و در عین حال در ارتباط با ساختارهای بیرونی، مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهند، مغرف های مربوط به هر یک از عوامل جهانی شدن به صوت تفکیکی در تجزیه و تحلیل محتوای مقالات مورد بررسی، راهنمای جست و جوی نویسندگان مقاله بوده اند.

• ۲- ماهیت جهانی شدن منظور از ماهیت جهانی شدن، ارزیابی ذهنی نویسندگان از جهانی شدن به طور کلی است که با سه نگرش بدبینانه، خوش بینانه و دوجانبه بیان می شود.

- معرف های راهنما برای درک نگرش های سه گانه نویسندگان مقالات در خصوص ماهیت جهانی شدن به شرح زیر است:

- **نگرش بدبینانه** : تسلط هژمونیک ایدئولوژی غرب، یک سان سازی و فراگیر شدن شیوه زندگی آمریکایی و غربی، امپریالیسم فرهنگی، تهدید های فرهنگی و هویتی، استحاله ارزش ها و هویت های دینی، قومی و ملی، محو تنوع فرهنگی، تضعیف باورها و عقاید دینی، اخلاق و خانواده و فرسایش اصالت و خلوص فرهنگ ها و تمدن ها

- **نگرش خوش بینانه** : گسترش آگاهی های جهانی، گسترش ارتباطات، جریان آزاد تجارت، پول، اقتصاد و فرهنگ، فرصت های فرهنگی، هم زیستی فرهنگی، تحول و توسعه فرهنگی، ایجاد گفت و گو، تبادل، تعامل و وابستگی متقابل میان تمدن ها، فرهنگ ها و هویت های مختلف، تقویت فرهنگ های ملی، محلی و مذهبی و عرصه جهانی آن با استفاده از تحولات رسانه ای، افزایش مدارا و تحمل پذیری و سازگاری هویت های فرهنگی متکثر.

- **نگرش دو جانبه:** تلقی جهانی شدن، به عنوان شمشیری دو دم، حاوی فرصت ها و تهدید های فرهنگی، چند بعدی بودن و ترکیبی دانستن جهانی شدن و ابهام و پیچیدگی فرایند جهانی شدن.

ابهام و پیچیدگی

• ۳- پیامدهای جهانی شدن: ارزیابی نویسندگان از ماهیت جانی شدن تا حد زیادی وابسته به شناخت و توصیف آن ها از پیامدهای جهانی شدن است. پیامدهای فرهنگی جهانی شدن، در سه مقوله کلی عام گرایی فرهنگی، خاص گرایی فرهنگی، و تعامل عام / خاص فرهنگی قرار می گیرند. عام گرایی فرهنگی، پدیده ها و روندهای جهان شمول و یا در حال گسترش در سطح جهانی، همچون امپریالیسم فرهنگی، غربی شدن، آمریکایی شدن، توسعه فرهنگی، آگاهی جهانی، همزیستی فرهنگی و خاص گرایی فرهنگی نیز گرایش هایی چون قوم گرایی، ملی گرایی، محلی گرایی، بنیادگرایی را شامل می شود.

- تعامل عام و خاص فرهنگی، پدیده ها و فرایندهای ارتباط و پیوند بین امور جهانی و امور محلی در زمینه های گوناگون را بیان می کند. برخی از نویسندگان عام گرایی یا خاص گرایی را با دید مثبت و برخی دیگر با دید منفی ارزیابی می کنند. این تفاوت ارزیابی ها در مفهوم ماهیت جهانی شدن مورد بررسی قرار می گیرد. معرف های انواع پیامدهای جهانی شدن در این پژوهش تدوین و در استخراج داده ها مورد استفاده قرار گرفتند.

یافته های پژوهش

- در این قسمت، ابتدا با تجزیه و تحلیل محتوای مقالات این پژوهش، با کاربرد پرسشنامه معکوس، و با توجه به مفاهیم تحلیلی تحقیق، علل و عوامل، ماهیت و پیامدهای جهانی شدن از نظر نویسندگان ایرانی به شیوه ای توصیفی مورد بررسی قرار می گیرد. سپس انواع گفتمان های جهانی شدن در ایران با توجه به زمینه های نظری پژوهش طبقه بندی و توصیف می شوند.



علل و عوامل جهانی شدن

- از منظر نویسندگان ایرانی عوامل گوناگونی در ظهور جهانی شدن دخیل بوده اند که این عوامل را بر اساس مدل تحلیلی می توان به دو دسته قواعد و منابع ساختاری و ابتکار و برنامه های عاملان و کارگزاران تقسیم کرد (جدول ۱)

برنامه های عاملان و
کارگزاران

- نویسندگان ایرانی به طور تراکمی، هم بر نیروهای ساختاری و هم بر تصمیمات عاملان تاکید کرده اند. به همین دلیل، ممکن است یک مقاله هم سرمایه داری و عقلانیت و هم نوآوری های تکنولوژیک را به عنوان علل جهانی شدن به حساب آورد و مجموع مقولات به دست آمده، بیشتر از تعداد مقالات مورد بررسی است. از بین مقولات ساختاری، در ۱۹/۲۳ درصد موارد سرمایه داری در ۱۱/۵۴ درصد موارد، عقلانیت و ۱۷/۱۳ درصد موارد انفکاک ساختاری و در بین مقولات مربوط به ابتکار عاملان ۲۹/۷۲ درصد به نوآوری های تکنولوژیک، ۲۰/۲۸ درصد به قوانین و مقررات و ۱۲/۱۰ درصد به جنگ های جهانی اختصاص دارد.

جدول ۱. دیدگاه نویسندگان در مورد علل و عوامل جهانی شدن

درصد	فراوانی	مقولات	
۱۹/۲۳	۵۵	سرمایه‌داری	نیروهای ساختاری
۱۱/۵۴	۳۳	عقلانیت	
۱۷/۱۳	۴۹	انفکاک ساختاری	
۲۹/۷۲	۸۵	نوآوری‌های تکنولوژیک	ابتکار عاملان
۲۰/۲۸	۵۸	قوانین و مقررات	
۲/۱۰	۶	جنگ‌های جهانی	
۱۰۰	۲۸۶	جمع	

- نویسندگان ایرانی در ۴۸ درصد موارد، بر اهمیت نیروهای ساختاری و در ۵۲ درصد موارد، بر ابتکار عاملان در توسعه جهانی شدن تاکید کرده اند. نویسندگان مزبور در بین عوامل ساختاری جهانی شدن، ابتدا بر سرمایه داری و سپس انفکاک ساختاری و سرانجام بر عقلانیت تاکید دارند. در نظر آن دسته از نویسندگانی که بر عوامل ساختاری تاکید دارند. جهانی شدن ادامه روند سرمایه داری است و سرمایه داری دوره متاخر به یک عامل مهم و نیروی پیش برنده جریان یکپارچگی جهانی تبدیل شده است.

ابتدا بر سرمایه داری و سپس انفکاک
ساختاری و سرانجام بر عقلانیت

- در این میان نیروهای مربوط به انفکاک ساختاری به رواج الگوی تک قدرتی و فروپاشی نظام کمونیستی انجامیده است و نیز غلبه عقل گرایی به **رواج تفکر سکولار و انسان مدارانه** انجامیده است، در این شرایط مردم کلیت وجودی خود را نه بر اساس نگرش های سنتی و مذهبی بلکه بر حسب سیاره ای که در آن زندگی می کنند، درک می کنند. در بین عوامل مربوط به ابتکار عاملان به ترتیب نوآوری های تکنولوژیک، قوانین و مقررات و جنگ های جهانی تاثیرگذارتر بوده اند و در این میان دو مورد اول، از اهمیت بالایی برخوردارند.

- نویسندگان ایرانی تقریباً در ۳۰ درصد موارد موتور محرکه جهانی شدن را نوآوری تکنولوژیک می دانند. از نظر آنان فن آوری های اطلاعاتی و ارتباطی پیشرفته و نیز گسترش شبکه حمل و نقل بین المللی و **گسترش حجم مبادلات تجاری** در رشد آگاهی سیاره ای موثر بوده اند. پیوندهای الکترونیک در یک دهکده جهانی و ارتباطات متقابل فرهنگی، زمینه را برای تسریع جهانی شدن فراهم ساخته است.

ماهیت جهانی شدن

- در بین نویسندگان ایران در مورد ماهیت جهانی شدن، نگرش های مختلفی وجود دارد. نگرش هر مقاله با توجه به تحلیل محتوای کیفی، ارزیابی شده و به این دلیل، تعداد مقولات با تعداد مقالات برابر است (جدول ۲)

جدول ۲- نگرش نویسندگان نسبت به ماهیت جهانی شدن

مقولات	فراوانی	درصد
نگرش خوش بینانه	۱۱	۱۰
نگرش بدبینانه	۴۴	۴۰
نگرش دوجانبه	۵۵	۵۰
جمع	۱۱۰	۱۰۰

- از بین نویسندگان ایرانی ۱۰ درصد آن ها نگرش خوش بینانه نسبت به جهانی شدن دارند. در رویکرد خوش بینانه، جهانی شدن در برگیرنده مجموعه ای از ارزش های جهان شمول است که باید با گسترش بخشیدن آن در دیگر جوامع، به عنوان فرهنگ جهانی، زمینه رشد و توسعه کشورهای توسعه نیافته ای نظیر ایران را فراهم ساخت. این نویسندگان معتقدند، جهانی شدن فرایندی گریزناپذیر است که فرایندهای دیگری را نیز در درون خود جای داده است و تحولی بنیادین در **فضای سازمانی و روابط اجتماعی و کنش متقابل قدرت** به وجود می آورد.

- این تحولات بنیادی، پروژه نیستند بلکه مقتضیات خاص تاریخی آن را پدید آورده است. ۴۰ درصد نویسندگان، نگرش بدبینانه نسبت به جهانی شدن دارند. در نگرش بدبینانه، جهانی شدن معادل با جهانی سازی به شمار می آید که در صدد همگن سازی و یکسان سازی جهان از رهگذر تسلط فرهنگ جهانی بر سایر فرهنگ ها است و اکثر جهانی شدن را به عنوان یک طرح و برنامه از قبل آماده شده از سوی قدرت های بزرگ جهانی می دانند.

- از منظر آن ها، جهان هم اکنون شاهد شکل گیری امپریالیسمی نوین در ردایی از فرهنگ تحت عنوان امپریالیسم فرهنگی است که حلقه دیگری از امپریالیسم اقتصادی غرب می باشد. ۵۰ درصد از نویسندگان ایرانی نگرش دو جانبه ای نسبت به جهانی شدن دارند. از منظر یان نویسندگان جهانی شدن بسان شمشیر دو دمی است که از نظر فرهنگی و هویتی هم می تواند به عنوان تهدید و هم به عنوان فرصتی فراروی جوامع جنوبی تلقی شود.

- بنابراین ماهیت جهانی شدن از دیدگاه این نویسندگان نه یکسره منفی و نه یکسره مثبت است، زیرا آن را دارای ویژگی هایی از قبیل ابهام، پیچیدگی، ارتباط و اختلاط اجزای فرهنگی و اقتصادی، ترکیبی و چند بعدی می دانند و در این میان بر نقش کنشگران محلی تاکید می کنند.

ابهام، پیچیدگی، ارتباط و اختلاط

پیامدهای جهانی شدن

- نویسندگان ایرانی نگرش های متفاوتی را نسبت به پیامدهای جهانی شدن دارند. مقالات مورد بررسی به طور تراکمی بر پیامدهای مختلف تاکید کرده اند و به این دلیل تعداد مقولات از تعداد مقالات بیشتر است (جدول ۳)

جدول ۳. دیدگاه نویسندگان در مورد پیامدهای فرهنگی جهانی شدن

مقولات	فراوانی	درصد
عام‌گرایی فرهنگی	۹۸	۵۱/۵۸
خاص‌گرایی فرهنگی	۴۸	۲۵/۲۶
تعامل عام/خاص	۴۴	۲۳/۱۶
جمع	۱۹۰	۱۰۰

• ۹۸ مقاله: عام گرایی فرهنگی را پیامد جهانی شدن داسنته اند. از این ۹۸ مقاله ۴۰ مقاله فقط به عام گرایی فرهنگی ، ۲۳ مقاله هم به عام گرایی فرهنگی هم به خاص گرایی و تعامل عام/ خاص، ۲۱ مقاله به عام گرایی و خاص گرایی و ۱۴ مقاله به عام گرایی و تعامل عام/ خاص توجه کرده اند.

- ۴۸ مقاله به خاص گرایی فرهنگی به عنوان پیامد جهانی شدن اشاره کرده اند. از این تعداد ۱ مقاله فقط خاص گرایی فرهنگی را به عنوان پیامد جهانی شدن در نظر گرفته است.
- ۲۳ مقاله به طور مشترک بر هر سه پیامد، ۳۱ مقاله بر عام گرایی و خاص گرایی و ۳ مقاله و خاص گرایی و تعامل عام/ خاص به عنوان پیامد جهانی شدن تاکید کرده اند.
- ۴۲ مقاله نیز تعامل عام/ خاص را به عنوان پیامد فرهنگی جهانی شدن ذکر کرده اند. از این تعداد، ۴ مقاله بر خاص گرایی و تعامل عام/ خاص، ۱۴ مقاله بر عام گرایی و تعامل عام/ خاص و ۲۳ مقاله به طور مشترک به هر سه پیامد جهانی شدن، اشاره کرده اند.

۱- عام گرایی فرهنگی

- نویسندگان ایرانی پیامدهای عام گرایی فرهنگی را به شیوه های گوناگونی ارزیابی کرده اند (جدول ۲)

جدول ۴. ارزیابی های متفاوت نویسندگان از عام گرایی فرهنگی

ارزیابی پیامدهای عام گرایی فرهنگی	فراوانی	درصد
پیامدهای مثبت	۱۷	۱۷/۳۵
پیامدهای منفی	۴۱	۴۱/۸۴
پیامدهای مثبت و منفی	۴۰	۴۰/۸۲
جمع	۹۸	۱۰۰

• ۹۸ مقاله ای که به عام گرایی فرهنگی به عنوان یکی از پیامدهای جهانی شدن اشاره کرده اند، ارزیابی متفاوتی از آن ارائه داده اند. ۱۷ مقاله پیامدهای مثبت جهانی شدن، ۴۱ مقاله پیامدهای منفی جهانی شدن را ۴۰ مقاله به طور مشترک پیامدهای مثبت و منفی جهانی شدن را نشان می دهد. با موارد تکراری، ۸۱ مقاله به طور کلی بر پیامدهای منفی و ۵۷ مقاله به طور کلی بر پیامدهای مثبت عام گرایی فرهنگی تاکید دارند.

- نویسندگان ایرانی پیامدهای مثبت و منفی عام گرایی فرهنگی را ذیل مقولات متفاوتی بیان کرده اند. ۲۳ مقاله آمریکایی شدن ۳۰ مقاله غربی شدن و ۱۵ مقاله امپریالیسم فرهنگی را به عنوان پیامدهای منفی جهانی شدن به حساب می آورند. ۲۱ مقاله تحول و ارتقاء فرهنگی، ۱۶ مقاله همزیستی فرهنگی، ۱۶ مقاله آگاهی جهانی و ۴ مقاله توسعه فرهنگی را به عنوان پیامدهای مثبت جهانی شدن محسوب می کند (جدول ۵)

جدول ۵. پیامدهای مثبت و منفی عام‌گرایی فرهنگی

مقولات	فراوانی	درصد
آمریکایی شدن	۲۳	۱۸/۱۱
غربی شدن	۳۰	۲۳/۶۲
امپریالیسم فرهنگی	۱۵	۱۱/۸۱
تحول و ارتقاء فرهنگی	۲۱	۱۶/۵۴
هم‌زیستی فرهنگی	۱۶	۱۲/۶۰
آگاهی جهانی	۱۶	۱۲/۶۰
توسعه فرهنگی	۶	۴/۷۲
جمع	۱۲۷	۱۰۰

- برخی نویسندگان هم آمریکایی شدن و هم غربی شدن را به عنوان پیامدهای منفی و آگاهی جهانی و همزیستی فرهنگی را به عنوان پیامدهای مثبت جهانی شدن در نظر می گیرند. نویسندگان ایرانی که آمریکایی شدن غربی شدن و امپریالیسم فرهنگی را به عنوان پیامدهای فرهنگی جهانی شدن در نظر دارند بر تهدیدهای فرهنگی برای هویت ملی و مذهبی تاکید می کنند. در خصوص پیامدهای مثبت جهانی شدن نیز نویسندگان ایرانی معتقدندف جهانی شدن منجر به ایجاد فرصت های فرهنگی فراوانی شده است. به عنوان مثال، آگاهی جانی و همزیستی فرهنگی، فرصت های فراوانی را برای ملت ها و فرهنگ های مختلف جهان به بار آورده است.

هم آمریکایی شدن و هم غربی شدن

۲- خاص گرایی فرهنگی

- برخی نویسندگان ایرانی، بر جنبه های مثبت و برخی بر جنبه های منفی خاص گرایی تاکید داشته اند. از بین ۴۸ مقاله که بر خاص گرایی فرهنگی به عنوان پیامد جهانی شدن تاکید کرده اند. ۳۱ مقاله در ارزیابی خود به جنبه های منفی و ۱۷ مقاله به جنبه های مثبت خاص گرای توجه کرده اند (جدول ۶) آن هایی که بر جنبه های مثبت خاص گرایی تاکید می کنند، معتقدند فرهنگ های خاص ملی، مذهبی و محلی می توانند با تقویت ویژگی ها و جنبه های عام گرایانه خود، با فضای جهان موجود انطباق یابند و بدون توسل به فروبستگی و تحجر، خود را در بستری جهانی بازسازی کنند.

- این فرهنگ ها در عین حال که خاصیت خود را حفظ می کنند، بیشتر دغدغه فراملی و فرامحلی دارند. نویسندگانی که بر جنبه های منفی خاص گرایی فرهنگی تاکید می کنند، بر این باورند که فرهنگ های خاص ملی، مذهبی و محلی دچار نوعی تحجر و ارتجاع می شوند، انفعال فرهنگی در پیش می گیرند، به سنت های پیشین خود بر می گردند. به احیاء فضای بسته فرهنگی خود می پردازند و بقای خود را جز به واسطه بستن مرزها به روی فرهنگ های دیگر و ستیز با تهاجم فرهنگی ممکن نمی دانند.

بستن مرزها به روی فرهنگ های دیگر

جدول ۶. ارزیابی‌های متفاوت نویسندگان در مورد خاص‌گرایی فرهنگی

مقولات	فراوانی	درصد
ارزیابی منفی	۳۱	۶۴/۶
ارزیابی مثبت	۱۷	۳۴/۴
جمع	۴۸	۱۰۰

- در خصوص تاکید نویسندگان بر الواح مختلف خاص گرایی نیز دیدگاه های مختلفی وجود دارد. برخی از آن ها، هم بر ملی گرایی و هم بر محلی گرایی و بنیاد گرایی تاکید می کنند. برخی تنها به یک یا دو نوع از خاص گرایی اشاره دارند. از مجموع مقالاتی که بر خاص گرایی های فرهنگی تاکید می کنند، به طور کلی ۳۳ مقاله بر ملی گرایی، ۳۵ مقاله بر بنیادگرایی و ۱۴ مقاله بر محلی گرایی تاکید می کنند (جدول ۷) نگرش این مقالات نسبت به هر کدام از انواع خاص گرایی های فرهنگی به صورت جداگانه یا ترکیبی بدین شرح قابل تفکیک است. ۱۵ مقاله بر ملی گرایی، ۱۰ مقاله بر بنیادگرایی، ۲ مقاله بر محلی گرایی، ۹ مقاله بر ملی گرایی و بنیادگرایی، ۶ مقاله بر ملی گرایی و محلی گرایی، ۳ مقاله بر بنیادگرایی و محلی گرایی و ۳ مقاله بر محلی گرایی و بنیادگرایی تاکید دارند.

جدول ۷. انواع خاص گرایی های فرهنگی از نظر نویسندگان

مقولات	فراوانی	درصد
ملی گرایی	۳۳	۴۵/۸۳
بنیادگرایی مذهبی	۲۵	۳۴/۷۳
محلی گرایی	۱۴	۱۹/۴۴
جمع	۷۲	۱۰۰

۳- تعامل عام / خاص

- تعداد ۴۴ مقاله بر پیامدهای مثبت عام گرایی فرهنگی و خاص گرایی فرهنگی با تعامل عام / خاص تاکید دارند. نویسندگان این مقالات، ضمن تاکید بر گونه های مثبت عام گرایی / خاص گرایی بر این باورند که جهانی شدن زمینه را برای ابراز و بیان فرهنگ های خاص در عرصه جهانی فراهم می کنند.

ابراز و بیان فرهنگ های خاص در عرصه جهانی

- این نویسندگان بر مولفه هایی چون عام گردانیدن خاص، خاص گردانیدن عام، محلی شدن/جهانی شدن، وحدت در کثرت/کثرت در وحدت، دیالکتیک امر خاص/امرعام و تعامل فرهنگی تاکید می کند که این مولفه ها را می توان به دو دسته تعامل امر جهانی/ امر محلی و تعامل فرهنگی تقسیم کرد. از بین مقالات مزبور، ۴۱ مقاله به تعامل امر جهانی/ امر محلی و ۱۳ مقاله بر تعامل فرهنگی به عنوان پیامد جهان شدن تاکید می کند. چون برخی مقالات به هر دو مولفه اشاره کرده اند. مجموع مقولات از تعداد مقالات بیشتر است (جدول ۸)

جدول ۸. تعامل عام/خاص از نظر نویسندگان

مقولات	فراوانی	درصد
تعامل امر جهانی / امر محلی	۴۱	۷۵/۹۳
تعامل فرهنگی	۱۳	۲۴/۰۷
جمع	۵۴	۱۰۰

طبقه بندی و سنخ شناسی گفتمان ها:

- با توجه به ارزیابی نویسندگان ایرانی از علل و عوامل ، ماهیت و پیامدهای فرهنگی جهانی شدن، می توان گفتمان های جهانی شدن در ایران را نیز به **سه دسته رادیکالیسم، نئولیبرالیسم و اصلاح طلبی** تقسیم کرد: گفتمان های سه گانه، در بین گرایش ها و جریان های فکری وابسته به فضای اندیشه ای انقلاب اسلامی رایج است، در حالی که گفتمان رادیکالیسم، بیش از بقیه، از مفاهیم دینی بهره می برد.

گفتمان رادیکالیسم

- گفتمان رادیکالیسم- گفتمان رادیکالیسم مفاهیمی چون هویت دینی، امت اسلامی، وحدت امت، جمهوری اسلامی و جهان اسلام را در مقابل فرایند جهانی شدن قرار می دهد. حدود ۳۰ درصد مقالات مورد مطالعه، در این گفتمان قرار می گیرند.

- گفتمان رادیکالیسم را بر اساس تاکید بر عاملیت یا ساختار می توان به دو دسته تقسیم کرد. رادیکالیسم عاملیت گرا، بر نقش کنش گران اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تاکید می کند. (افروغ، ۱۳۸۲، محقق داماد، ۱۳۸۲، افتخاری، ۱۳۸۲). به نظر آن ها سازمان های فراملی نظیر گروه اقتصادی هفت، صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی از کنش گران عرصه جهانی شدن هستند. این گفتمان واژه جهانی سازی را بر جهانی شدن ترجیح می دهد و بر قدرت عاملان و طراحان اصلی در پروژه جهانی سازی تاکید دارد. جهانی سازی با میزان تهدید زایی بالا، به کشورهای جهان سوم تحمیل می شود.

بر اساس تاکید بر عاملیت یا ساختار

- این طرح توسط قدرتمندان سیاسی و سوداگران اقتصادی در حال اجرا بوده و دارای تبعات فرهنگی نامطلوبی است. در این نگرش بدبینانه، جهانی سازی در صدد یکسان سازی جهان از رهگذر هژمونی فرهنگ غرب بر سایر فرهنگ ها است. پیوستن به پروژه جهانی سازی، به خصوص پذیرش بعد تجاری آن، به معنای مشارکت در تمام ابعاد جهانی سازی و تهدیدی جدی برای ملت ها محسوب می شود. این نویسندگان جهان شدن را از لحاظ ماهویف همان غربی شدن می دانند و به مخالفت با آن بر می خیزند. در جهانی شدنف شیوه زندگی آمریکایی در سایر کشورها گسترش می یابد.

- جهانی سازی علاوه بر ایجاد وابستگی فرهنگی، وابستگی سیاسی- اقتصادی و سازمانی را نیز پدید می آورد. این نویسندگان در ارزیابی خود از عام گرایی فرهنگی، بیشتر بر جنبه های منفی و تهدیدهای هویتی، دینی و فرهنگی آن تاکید می کند. غربی- آمریکایی کردن، به عنوان نرم افزار جهانی شدن، منشا خطر برای هویت های دینی محسوب می شود و با توسعه یک فرهنگ خاص، عرصه برای سایر فرهنگ های جهانی محدود می شود. از منظر این نویسندگان، ارزش های لیبرال دموکراسی با ادعای فراگیری و سازگاری با طبیعت و مبتنی بر فطرت انسانی، به مثابه دین جدید جهانی شدن در پی مقابله با نقش دین است.

منشا خطر برای هویت های دینی

- «اسلام به عنوان رقیب جدی لیبرال دموکراسی، در نوک پیکان تهدیدات فرهنگی ناشی از پروسه جهانی سازی قرار داشته و مشاهده می شود که حجم قابل توجهی از تلاش های نظری و برنامه های عملیاتی قدرت های بزرگ، متوجه برخورد با موزه ها و ارزش های اسلامی بوده است»

- برخلاف رادیکالیسم عاملیت گرا، اصول گرایان ساختارگرا، بر نقش نیروهای ساختاری در تکوین و توسعه جهانی شدن تاکید دارند. (لواسانی، ۱۳۸۲، جواهری، ۱۳۸۲، لک، ۱۳۸۲). ان ها معتقدند که پایان جنگ سرد، سرمایه داری و عقلانیت، زمینه را برای تحقق جهاین شدن فراهم کرده است.

نیروهای ساختاری

- «بعد از سقوط نظام کمونیستی و پایان جنگ سرد، نظم نوین جهانی ترجمان جهانی سازی است که تشکیل ساختار بین المللی بر اساس نظام تک قطبی را در پی دارد و بازیگران اصلی آن بازارهای اقتصاد جهانی و سازمان های بین المللی هستند، آن ها علت اصلی جهانی شدن را پیروزی سرمایه داری جهانی دانسته و اعتقاد دارند، «جهانی شدن از پیامدهای سر بر آوردن دولت های نیرومند ملی و عالی ترین مرحله روابط سلطه گری- سلطه پذیری امپریالیستی است. **جهانی شدن اوج پیروزی سرمایه داری جهانی در عالم است** و از بطن دولت ملی که همچنان به تولید درد در درون و بیرون مرزهایش یکسان ادامه می دهد، زاده شد»

- برخی از رادیکال ها با تاکید بر عوامل ساختاری معتقدند جهانی شدن یک رویداد ناگهانی نیست بلکه برآیند یک سلسله حوادث و واقعیات است از منظر این نویسندگان، جهاین شدن برنامه ای نیست که قدرت های پیدا و پنهان اقتصادی - سیاسی آن را طرح ریزی کرده باشند. اگر چه قدرت های سیاسی به ویژه آمریکا و سرمایه داری لجام گسیخته، سعی در تقویت آن در جهت اهداف خود دارند، اما در حقیقت، این روند در اختیار آن ها نیست.

- آن‌ها مظهر قدرتی هستند که سعی دارد این روند را در اختیار خود بگیرند، اما این روند از دست آن‌ها خارج می‌شود. «جهانی شدن فرایندهای تاریخی است که بر بنیان پیشرفت خیره‌کننده سرمایه‌داری، عقلانیت و تکنولوژی شکل گرفته است. بنابراین جهانی شدن ظرف بی‌مظروفی است که امروز حجم بیشتر این ظرف را سرمایه‌داری، سکولاریسم و عقلانیت غربی به خود اختصاص داده است.

سرمایه‌داری، عقلانیت و
تکنولوژی



- از منظر آن ها جهانی شدن، روندی است که در آن جهان به مثابه دهکده ای کوچک در می آید که عمدتاً یک فرهنگ در سراسر آن مستقر می شود: «این فرایند نشان دهنده گسترش چیزی فرهنگ غربی و ارزش های جامعه سرمایه داری بر سراسر گیتی است و برخاسته از فرهنگ عصر مدرنیته است.

- جهانی شدن روند طبیعی است که بیان کننده انقلابی بر پایه مدرنیته است که تاریخ مدرنیته در پایان خود بدان رسیده است که عبارت از تکاپوی فرهنگ نفسانی غربی برای عالم گیر شدن است» نویسندگان مورد نظر، بر عام گرایی فرهنگی تاکید می کنند اما ارزیابی های متفاوتی از آن عام گرایی فرهنگی دارند. آن ها پیامدهای فعلی عام گرایی فرهنگی را منفی می دانند اما معتقدند که با ابزارهایی که جهانی شدن در اختیار بشریت گذاشته است، زمینه های تحقق مطلوب جهانی شدن فراهم می شود.

تکاپوی فرهنگ نفسانی غربی

- رادیکال های ساختارگرا، پیامدهای فعلی جهانی شدن را آمریکایی شدن، غربی شدن و امپریالیسم فرهنگی می دانند که منجر به تهدیدهای فرهنگی برای جهان سوم شده است ، «در زمان حاضر، مراد از جهانی شدن، تکنولوژی جدید است، غرب با کنترل ابزارهای ارتباطی ماهواره و اینترنت بر جهان سیطره دارد و نتیجه آن سیطره فرهنگ غربی خواهد بود.

- در حال حاضر، مراد از جهانی شدن، سیطره و گسترش نظام سرمایه داری غربی است که با مهدویت اسلامی سازگار نیست، غرب فرهنگ مجازی را القا می کند. به هویت سازی وراونه دست می زند. جوامع غیر غربی را از درون تهی می کند و مردم کورهای جنوب را به توده هایی بی فرهنگ با دارای فرهنگ مصرفی غرب تبدیل می کند. به نظر این نویسندگان، تقابل دین به معنویت فردی و فاقد دلالت های اجتماعی، یکی از تهدید های جدی جهانی شدن است. «تهدید عمده جهانی سازی در بعد فرهنگی و دینی، تحمیل فرهنگ غربی و آمریکایی بر دیگر فرهنگ ها و تحکیم مبانی سکولارسیم است که همه

- فرهنگ ها و ادیان را تحت الشعاع خود قرار می دهد و موجب متمایز شدن دین از نهادهای اجتماعی، مل نهاد سیاست، قانون گذاری و آموزش و پرورش می شود»
- رویکرد رادیکالیسم در ایران، ضمن انتقاد از فرایندهای جهانی شدن کنونی، از «جهانی شدن نوع دیگر» حمایت می کند. رادیکال ها، اگر چه نسبت به وضعیت فعلی جهانی شدن نگرش بدبینانه ای دارند، اما امیدوارند جهانی شدن در آینده دریچه ای را بگشاید که از طریق آن بتوانند آرمان های خود را تحقق بخشند. این نویسندگان ارتباطی بین جهانی شدن و مهدویت جهانی قایل هستند و در این خصوص بر تحول فرهنگی تاکید فراوان دارند.

- «در سنجش جهانی شدن و مهدویت اسلامی، باید بر وضعیت فعلی جهانی شدن که به دلیل سیطره هرمنوتیک ساختاری های غربی نامطلوب است، بسنده کرد، بلکه باید فراتر رفته و با نگرش فلسفی و ماهوی به این پدیده نگریست. از این رو نباید به استناد برخی عوارض کنونی جهانی شدن، حکم به ناهمسازی این دو مفهوم کرد. مهدویت اسلامی با ویژگی جهان شمولی خود، محتوای نرم افزاری مناسب و منحصر به فرد برای وضعیت تصور شده می باشد»

هرمنوتیک ساختاری های غربی نامطلوب

- از نظر نویسندگان هر چند عواملان کنونی جهانی سازی چند روزی بر این موج، سواری می کنند اما در نهایت مانند کف از بین خواهند رفت و تنها درمان چنین وضعیتی در «مکتب سازگار با ویژگی های فطری انسان ها» و آموزه مهدویت اسلامی به عنوان تدبیری الهی برای پایان تاریخ نهفته است.

۲- گفتمان نئولیبرالیسم

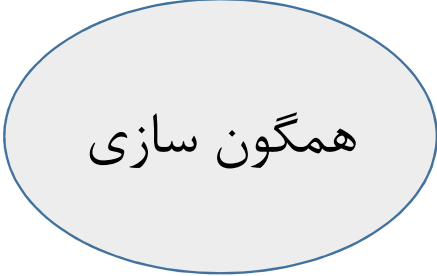
- در ایران توجه به فرایند جهانی شدن با نگاه نولیبیرالیسم از سال ۱۳۶۸ گسترش چشمگیری یافت و هنوز آثار این گفتمان در فضای روشنفکری و نویسندگی کشور مشهود است. با توجه به مولفه های تعیین شده ۱۰ درصد از مقالات مورد مطالعه در این گفتمان جای می گیرند. نویسندگان متعلق به این گفتمان در خصوص علل و عوامل جهانی شدن، بر نیروهای ساختاری تاکید بیشتری دارند و سرمایه داری، پایان جنگ سرد، افول کمونیسم، سقوط نظام دو قطبی و توسعه بازارهای جهانی را به عنوان نیروهای ساختاری جهانی شدن به حساب می آورند (زیباکلام، ۱۳۷۹. صدری، ۱۳۷۹)

- نگرش این نویسندگان نسبت به ماهیت جهانی شدن خوش بینانه است، از منظر آن ها، جهانی شدن فرایندی گریزناپذیر است و تحولی بنیادین در فضای سازمانی و روابط اجتماعی به وجود می آورد. این تحولات پروژه نیستند بلکه مقتضیات خاص تاریخی. موجب ظهور آن ها گردیده است. «جهانی شدن امری اجتناب ناپذیر است و این پدیده یک سرنوشت محتوم و قطعی برای تمام کشورها است. ضرورت های اقتصادی و به تبع آن ضرورت های فعلی، در بسیاری از زمینه ها، نزدیکی و برقراری ارتباط بیش از پیش کشورها را با یکدیگر آشکار می کند» (سلامتی، ۱۳۸۲)

- جهانی شدن یک طرح و توطئه از سوی قدرت های غربی نیست بلکه فرایند جهانی شدن منطق خود را دارد. روال خاص خودش را طی می کند. پدیده ای «میمون و مبارک» برای جوامع سوم و به نفع همه مردم است.

• این نویسندگان در خصوص پیامدهای جهانی شدن بیشتر بر عام گرایی و جنبه های مثبت آن و فرصت های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جهانی شدن تاکید دارند. آن ها معتقدند، گسترش اقتصاد بازار در کنار ناکامی های جزئیموفقیت های بزرگی را نیز در برداشته است. «نظام اقتصاد بازار با لوازم و خصیصه هایی که دارد، از جمله کاهش تعرفه های گمرکی، خصوصی سازی، کوچک شدن دولت، حذف سوبسید ها، حذف کنترل بر قیمت ها و غیره، نوانسته است خود را به عنوان تنها الگوی تدبیر نظام اقتصادی نشان دهد و از قبل همین مساله، شاهد رشد تجارت جهانی هستیم که سهم کشورهای در حال توسعه در این مسئله به شدت در حال افزایش است» (صدری، ۱۳۷۹)

- آن ها همگون سازی را یکی از فرصت های مهم جهانی شدن به حساب می آورند. «همگون سازی تا حد زیاید، اوضاع مادی و رفاهی مردم را در اقصی نقاط جهان بوبد بخشیده و این همان انگیزه اصلی در پیش گرفتن راه توسعه جوامع مختلف بوده است. همگون سازی کشورهای ثروتمند از طریق سهام، سرمایه گذاری در اوراق قرضه و راه های تجاری به کشورهای فقیر و در حال توسعه متقبل شد» (احمدی علی آبادی، ۱۳۸۲)



همگون سازی

- استفاده از ارتباطات قوی جهانی، نظریات پیشرفته، دستیابی به فن آوری جدید و رفاه بیشتر، از جمله فرصت های اجتماعی و فرهنگی است که کشورهای توسعه نیافته می توانند حداکثر استفاده را از آن ها داشته باشند. «همگون سازی تنها به حوزه اقتصادی محدود نمی شود و در حوزه های فرهنگی و اجتماعی نیز نتایجی به بار آورده است که در هیچ کجای تاریخ سابقه نداشته است.

حوزه های فرهنگی و اجتماعی

- اینک اینترنت باعث شده است تا شکاف میان کشورهای غنی و فقیر کم شود. سلسله مراتب اقتدار و لایه لایه شدن جامعه بر اثر آن که از عوامل اصلی تبعیض ها، توزیع نامتناسب دانش و معلومات و تشریک مساعی در تصمیمات به شمار می رفت، اکنون از طریق رسانه های جهانی و اینترنت شکسته شده است و انسانی که تاکنون در کشور و پایتخت خود بیگانه و نادیده گرفته ده بود، با شبکه های اطلاعاتی وسیع در دوره افتاده ترین نقاط جهان می تواند از اطلاعات هر کجای جهان آگاه شود و در بسیاری از مراکز مردمی و جامعه مدنی مشارکت کند (زیبا کلام، ۱۳۷۹. سلامتی، ۱۳۸۲)

توزیع نامتناسب دانش و معلومات

- نویسندگان معتقد به این گفتمان جهانگیر شدن ارزش های جهان شمول نظیر دموکراسی، تساهل، مشارکت سیاسی، آزادی عمومی و حقوق بشر را از پیامدهای جهانی شدن می دانند. از منظر این نویسندگان، فرهنگ لیبرالیسم غربی دارای مجموعه ارزش های ذاتا جهان شمول است که باید با گسترش بخشیدن آن در دیگر جوامع به عنوان فرهنگ جهانی، زمینه رشد و توسعه کشورهای توسعه نیافته ای نظیر ایران را فراهم ساخت «جهانی شدن عمیق ترین تحولات اجتماعی و سیاسی را موجب شده است.

پیامدهای جهانی شدن

- به طوری که همگام با اطلاع رسانی به مردم، در جوامعی که زمانی محدود و بسته بودند. باعث سرنگونی دیکتاتوری های بسیاری شده است. دموکراسی که همواره از این محدودیت ها رنج می برد که آرزوی همیشگی خود یعنی مشارکت مستقیم و بی واسطه مردم را دو از دسترس و غیر عملی می دیدف اکنون با دنیای اطلاعات و ارتباطات جهانی، چشم انداز تحقق واقعی تشریک مساعی و مشارکت مستقیم هر انسانی را در هر کجای دنیا نشان می دهد و این آرزوی همیشگی را به واقعیت نزدیک ساخته است (احمدی علی آبادی، ۱۳۸۲)

محدود و بسته

۳- گفتمان اصلاح طلبی

- گفتمان اصلاحات از ۱۳۷۶، به بعد در ایران رواج پیدا کرد. حدود ۵۰ درصد نویسندگان مورد مطالعه، در این گروه قرار می گیرند. نویسندگان متعلق به این گفتمان در خصوص علل و عوامل جهانی شدن، بیشتر بر عاملیت ها و کارگزاران تاکید می کنند. گسترش تکنولوژی ارتباطی، قرارداد های تعرفه و تجارت فعالیت سازمان های بین المللی، ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و غیره را از جمله این کارگزاران می دانند. در زمینه فرهنگی، گسترش ارتباطات خبراتی، اینترنت و وجود ماهواره هایی که اخبار و اطلاعات را به سرعت و با کیفیت در اختیار همه گروه های اجتماعی در اقصی نقاط جهان می گذارند.

- در زمینه اقتصاد نهادهایی همچون بانک جهانی، صندوق بین المللی پول به صورت نهادهای رسمی و شرکت های چند ملیتی به عنوان نهادهای غیررسمی، زمینه را برای جهانی شدن در دو سه دهه اخیر فراهم کرده اند (اردلان، ۱۳۷۹، حیدری، ۱۳۷۱، هادیان، ۱۳۷۷)



صندوق بین المللی پول

- در خصوص ماهیت جهانی شدن، این نویسندگان نگرش خوش بینانه ای نسبت به جهانی شدن دارند، اما درجه خوش بینی آن ها به **اندازه گفتمان نئولیبرالیسم** نیست. آن ها بیشتر رویکرد تلفیقی نسبت به جهانی شدن را هم زمان در بردارنده فرصت ها و تهدید ها می دانند. به نظر آن ها، جهانی شدن بسان شمشیری دو دم است که از منظر هویتی کشوری نمی تواند عرصه های مختلف را بریده از جهانی شدن برنامه ریزی کند، زیرا جهانی شدن در هم تنیدن عرصه هایی است که در گذشته و در جهان سنتی جدا از هم بوده اند (منتظر القائم، ۱۳۸۰. اسلامی، ۱۳۷۸، قوام ۱۳۸۰). ماهیت جهانی شدن، نه یکسره منفی و نه یکسره مثبت است، چرا که آن را دارای ویژگی هایی از قبیل ابهام، پیچیدگی، ارتباط و اختلاط اجزای فرهنگی و اقتصادی، چند بعدی و ترکیبی می دانند.

- در دیدگاه این نویسندگان جهانی شدن بیشتر پدیده ای ارگانیک و پویا است تا مکانیکی و ایستا. جهانی شدن به دلیل برخورداری از «**تداوم در عین تغییر**» کشورها را به انعطاف پذیری بیشتر در زمینه های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی وا می دارد.

ارگانیک و پویا

مکانیکی و ایستا

سطوح مختلف جهانی شدن

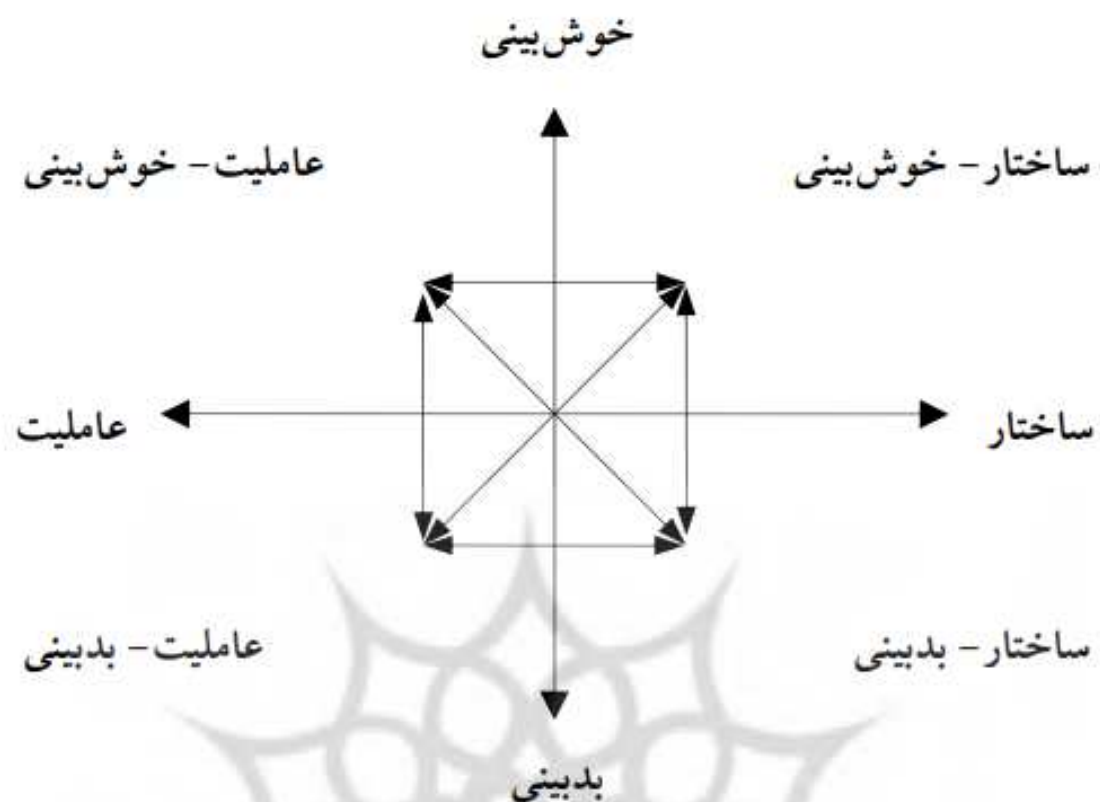
- پیوستار ساختار- عاملیت، به علل و عوامل جهانی مربوط می شود. دیدگاه ها و گفتمان های جهانی شدن، به گونه ای متنوع و با نسبت های متفاوتی بر نقش ساختار و یا عاملیت تاکید دارند. پیوستار خوش بینی و بدبینی، با ارزیابی ماهیت جهانی شدن ارتباط دارد. گفتمان های خوش بینانه ارزیابی مثبتی از ماهیت و پیامدهای جهانی شدن دارند، در حالی که گفتمان های بدبینانه آن را به گونه ای منفی ارزیابی می کنند.

پیوستار ساختار- عاملیت

- تقاطع در پیوستار مزبور، ابزاری را برای تحلیل سطوح مختلف جهانی شدن به دست می دهد و چهار سطح مختلف را از همدیگر تفکیک می کند که در عین حال قابلیت نفوذ و تداخل در یکدیگر را دارند (نمودار ۳) اهمیت اساسی این ابزار، فراهم کردن امکان تحلیل تطبیقی دیدگاه های نویسندگان در مورد جهانی شدن است.

قابلیت نفوذ و تداخل

نمودار ۳. سطوح عمده رویکردهای نویسندگان در خصوص جهانی شدن



- چهار سطح مختلف جهانی شدن، با سه گفتمان مورد تحلیل در این پژوهش رابطه دارند (نمودار ۴) رویکرد نئولیبرالیسم، به این دلیل که جهانی شدن را پدیده‌ای با پیامدهای مطلوب و فرصت را برای جوامع جهان سوم محسوب می‌کند و تکوین آن را با عوامل ساختاری نظیر اقتصاد و نظام بازار آزاد توضیح می‌دهد. در سطح خوش بینی- ساختار قرار می‌گیرد. گفتمان اصلاح طلبی با نگرش خوش بینانه، بیشتر بر پیامدهای مثبت و فرصت‌های فرهنگی و در خصوص علل و عوامل، بیشتر بر عاملیت‌ها تاکید دارد.

سطح خوش بینی- ساختار

- رادیکال های عاملیت گرا، خواهان جهانی شدن معکوس هستند و با نگرش بدبینانه، بر پیامدهای منفی جهانی شدن کنونی، به ویژه تهدیدهای فرهنگی و هویتی تاکید می کنند. رادیکال های ساختار گرا، جهانی شدن را عامل نابودی فرهنگ ها و هویت ها می دانند. ان ها بر نقش نیروهای ساختاری در پیدایش جهانی شدن تاکید دارند و حتی در تحقق جهانی شدن ایده آل معتقدند که باید منتظر تغییرات و شرایط ساختاری مناسب در آینده بود.

تهدیدهای فرهنگی و هویتی

نتیجه گیری

- گفتمان های جهانی شدن در ایران، تحت تاثیر عوامل ساختاری و تصمیمات عاملان شکل می گیرد. شکست برنامه های نوسازی دوران پهلوی انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق در تکوین گفتمان رادیکالیسم موثر بوده اند. انقلاب اسلامی به دنبال شکست برنامه های نوسازی به وقوع پیوست و پیروزی انقلاب زمینه را برای تعریف آمریکا به عنوان اصلی ترین دشمن نظام فراهم کرد.

- در این شرایط جهانی شدن معادل جهانی سازی یا آمریکایی شدن تلقی گردد و این طرز تلقی برخی از نویسندگان را تحت تاثیر خود قرار داد و آن ها نسبت به مظاهر جهانی و فرهنگ غربی نگرش بدبینانه ای داشتند، مخالف با جهانی شدن آمریکا محور به عنوان یک روند عمومی در بین نویسندگان متأثر از فضای انقلابی به سرعت افزایش یافت

جهانی شدن معادل جهانی سازی یا
آمریکایی شدن

- در جنگ ایران و عراق ایران علاوه بر مواجه شدن با یک دگر مذهبی (امریکا) با یک دگر ملی (عراق) رو به رو شد. به همین دلیل در این دوره نوعی درون گرایی و بومی گرایی رواج یافت و حاصل این امر، پیدایش انزوای ملی و کاهش تماس های فرهنگی با جهان بود. روند نوسازی در ایران موجب متمایز شدن دینی از نهادهای اجتماعی شد و تجربه ها و ارزش های دینی را در حاشیه قرار داد. تحت تاثیر چنین عاملی بود که نویسندگان ایران سکولاریسم را یکی از نموده های جهانی شدن به حساب آوردند و با دید بدبینانه به جهان شدن توجه کردند.

درون گرایی و بومی گرایی

- در دهه ۱۹۹۰، مجموعه ای از تحولات ساختاری و رخداد‌های وابسته به برنامه های عاملان در داخل مرزهای ایران و در سطح جهان موجب تغییراتی در روابط ایران با سایر کشورها شد. از جمله تحولات ساختاری، می توان به شکست کمونیسم، گسترش سرمایه داری جهانی و پایان جنگ ایران و عراق اشاره کرد: برنامه های عاملان نیز فعالیت سازمان های بین المللی و فراملی و گسترش نهادهای مدنی و رسانه های جمعی داخلی را شامل می شد.

- بعد از جنگ ضرورت تبدیل نظام اقتصاد جنگی به یک نظام اقتصادی پویا و بازسازی کشور، زمینه را برای جهانی شدن فراهم کرد، زمینه را برای جهانی شدن فراهم کرد. تحت تاثیر چنین تحولات ساختاری بود که نگرش مثبتی نسبت به فرهنگ جهانی، اقتصاد جهانی و سیاست های سازمان های بین المللی در ایران رواج پیدا کرد.

- تغییر در سیاست خارجی و تجدید نظر در سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی نظیر سیاست تعدیل اقتصادی زمینه را برای سرمایه‌گذاری خارجی و جهانی، ایجاد ارتباط با نظام اقتصادی جهانی، گسترش مناطق آزاد تجاری، کاهش مقررات گمرکی و استقراض فراهم نمود. گسترش رسانه‌های جمعی از عواملی بود که در دهه ۱۹۹۰ موجب گسترش فرایند جهانی شدن گردید و اندیشه‌های حقوق بشر، دموکراسی و مشروعیت دولت از طریق رسانه‌های جمعی جهانی گسترش یافت.

- در این دوره اطلاعات و پیام هایی که از طریق اینترنت، بشقاب های ماهواره ای و سایر رسانه ها دریافت می شد، سبب افزایش آگاهی مردم جهان شد و زمینه مشارکت آفرینی مردم را فراهم کرد. مجموعه این تحولات زمینه پذیرش نگاه مثبت به جهانی شدن را فراهم کرد و نئولیبرالیسم ایرانی هم تحت تاثیر چنین تحولاتی نگرشی خوش بینانه نسبت به جهانی شدن پیدا کرد.

نگرشی خوش
بینانه

- تحولات پس از دوم خرداد ۱۳۷۶، از جمله طرح نظریه گفت و گوی تمدن ها، حضور تیم ملی ایران در جام جهانی و گسترش کاربرد فن آوری های اطلاعات و ارتباطات، فضای نویسندگی را تحت تاثیر قرار داد. یکی از آرمان های دوم خرداد، تقویت ساز و کارهای مردم سالارانه بود که پاسخ گوی نیازهای داخلی جامعه و در عین حال الزامات جهان یکپارچه شده بود.



• تقویت ساز و کارهای مردم سالارانه به عنوان هدف اصلی جنبش اسلامی دوم خرداد، با مقتضیات جهانی هماهنگی داشت و در عین حال این امکان را فراهم کرد تا افکار و سلايق متنوع در جامعه با همدیگر به گفت و گو بپردازند. پیروزی تیم ملی ایران در استرالیا در سال ۱۹۹۸ یکی دیگر از عوامل موثر بود. ایرانی ها **بعد از سال ها انزوا و درون گرایی** با پیروزی تیم ملی، به رقابت با جهانیان پرداختند و هویت خود را در سطح جهانی مطرح کردند.

- این حادثه، جوی را به وجود آورد که نگرش سنتی به مسائل جهانی را تغییر داد. بر اساس طرح گفت و گوی تمدن ها، فرهنگ ها و تمدن ها، نه در حالت تقابل بلکه در حالت تعامل قرار می گیرند و تاثیرپذیری آن ها در وضعی مختارانه و توأم با آگاهی صورت می گیرد. نظریه گفت و گوی تمدن ها، خواهان به رسمیت شناختن حقوق همه ملت ها، فرهنگ ها و تمدن ها بود و از تعامل عام/خاص حمایت می کرد.

- در این دوران، فن آوری اطلاعاتی و ارتباطاتی پیشرفته، در ایجاد آگاهی سیاره ای بسیار موثر بوده و سبب آگاهی گروه های اجتماعی و افراد از فشرده گی و در هم تنیدگی جهان گردید. افرادی که تا دیروز اطلاعات اندکی از تحولات جهانی داشتند با توسعه کاربرد فن آوری های اطلاعاتی با جهان در ارتباط قرار گرفتند مجموعه این تحولات و رویدادها زمینه را برای گسترش نگرش خوش بینانه به جهانی شدن فراهم کرد. فضای روشنفکری و نویسندگی تحت تاثیر این تحولات قرار گرفت و اصلاح طلبان ایرانی در خصوص پیامدهای رهنگی جهانی شدن، بر تعامل عام و خاص تاکید کردند.

فشرده گی و در هم تنیدگی جهان

- رویکردها و نگرش های نویسندگان و متفکران ایرانی در خصوص علل و پیامدهای جهانی شدن با آراء نظریه پردازان و جامعه شناسان مورد بررسی در این مطالعه، قابل مقایسه است و مشابهت هایی بین آن ها دیده می شود. نویسندگان ایرانی در خصوص علل جهانی شدن هم بر روی نیروهای ساختاری و هم بر روی ابتکار عاملان تأکید دارند در خصوص پیامدهای جهانی شدن نیز نویسندگان ایرانی به عام گرایی فرهنگی، خاص گرایی فرهنگی و تعامل عام خاص توجه دارند و نویسندگان گوناگون ارزیابی های متفاوتی را در خصوص پیامدهای فرهنگی جهانی شدن انجام داده اند. نویسندگان و متفکران ایرانی در خصوص علل و عوامل ماهیت و پیامدهای جهانی شدن دارای گرایش ها متفاوتی هستند. سطوح مختلفی از رویکردهای نویسندگان در خصوص جهانی شدن وجود دارد که در چهار شکل نشان داده شده است.

- **گفتمان رادیکالیسم عاملیت گرا**، **گفتمان رادیکالیسم ساختارگرا**، **گفتمان نئولیبرالیسم** و **گفتمان اصلاح طلبی**، کانون تمرکز هر کدام از این گفتمان ها در خصوص ماهیت علل و پیامدهای فرهنگی جهانی شدن متفاوت است. عوامل ساختاری و نوآوری های عاملیتی فراوان در پیدایش این گفتمان های جهانی شدن موثر بوده اند.

عوامل ساختاری و نوآوری
های عاملیتی فراوان

- در ارزیابی نهایی می توان گفت که فرایند جهانی شدن تحولی در حال گسترش است، هر چند نمی توان شرایط پیش از جهانی شدن را احیا کرد اما می توان با آن درگیر شد، فرصت ها را افزایش و تهدید ها را کاهش داد. همان طور که امکان تاثیرگذاری فرهنگ جهانی شدن بر فرهنگ های دیگر متفاوت است، میزان تاثیرپذیری فرهنگ های مختلف هم متفاوت است. فرهنگ ها و جوامع گوناگون نسبت به این پدیده واکنش های متفاوتی را نشان داده اند.

- جهان بینی ملت ها و شیوه نگرش فرهنگ ها نسبت به این فرایند سبب می شود تا هر یک از آن ها این وضعیت را از منظر خویش مورد ارزیابی قرار دهند. یک برخورد فعال و کنش گران و در عین حال واقع گرا و دور اندیش باید راهکارهای زیر را هنگام برخورد با موله جهانی شدن مورد توجه قرار دهد.
- بررسی واقع بینانه تحولات ناشی از جهانی شدن می تواند تصویری درست از فرصت ها و تهدیدات در اختیار ما قرار دهد تا از طریق افزایش توانایی ها و امکانات قادر به تامین منافع و تحقق هدف های ملی خود باشیم.

جهان بینی ملت ها

- برخورد نظاره گر و منفعل ما با پدیده جهانی شدن باید به نگرش فعال و خودانگیخته تبدیل شود. کشورهای جهان سوم می بایست با ارتقای ظرفیت بازیگری در عرصه بین المللی، تهدیدها را به فرصت بدل نماید و بدین سان موازنه ای مطلوب بین هویت فرهنگی جامعه خود و فرهنگ جهانی برقرار کنند.

برخورد نظاره گر و منفعل ما

- با تکیه بر سه اصل توسعه فرهنگی، یعنی خودباوری فرهنگی، پالایش منابع فرهنگی و ارتباط آگاهانه با فرهنگ های دیگر، باید بستر مناسب برای پذیرش جهانی شدن را فراهم ساخت. برای تحقق این هدف، لازم است ارتقاء شعور فرهنگی و سیاسی در جهت توسعه ظرفیت های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور، مورد توجه قرار گیرد.

ظرفیت های اقتصادی، سیاسی
و فرهنگی کشور